

داستان اراضی دارنگان

داستان اراضی دارنگان طولانی است. ملخص کلام این است:

من یکی از وراث مرحوم حبیب‌الله شهبازی هستم که مالک بیش از چهار دانگ مشاع از شش دانگ کل دارنگان بود. مالکیت دارنگان به سی سهم مشاع تقسیم می‌شود که سهمی پدرم حدود ۲۱ سهم از آن بود. سیر تملک این سهام را شرح داده‌ام به همراه اسناد مربوطه. این ارثیه به چهارده سهم تقسیم می‌شود و به وراث هر پسر دو سهم و هر دختر یک سهم می‌رسد. بنابراین، من مالک یک هفتم از ۲۱ سهم مشاع از کل سی سهم دارنگانم به اضافه یک هفتم از باغات اختصاصی و باغات غارسی و مالکی دارنگان. به همین نسبت از حق آبه مالکی تنگ چنارزرد سهم می‌برم. به عبارت دیگر، من، احد از وراث مرحوم شهبازی، مالک سه سهم از سی سهم یا یک دهم از کل محدوده ثبتی پلاک دارنگانم. سه برادرم نیز همین مقدار سهم می‌برند و شش خواهرم هر یک نصف آن یعنی یک بیستم از کل دارنگان یا ۱/۵ سهم از سی سهم. این مالکیت قابل توجهی است. مثلاً، مالکیت کل خانواده اسفندیاری (وراث مرحوم محمدطاهر اسفندیاری، پسر باقر خان، نیای اسفندیاری‌ها) دو سهم و ۲۶ صدم سهم از کل سی سهم دارنگان است. این مالکیت میان پنج پسر تقسیم می‌شود. مالکیت من به تنهایی بیش از مالکیت کل خانواده اسفندیاری است. مالکیت مرحوم اسکندر سلطانفر، پدر خانواده سلطانفر، ۶۲ صدم از یک سهم از کل سی سهم مشاع دارنگان است. یعنی، مالکیت کل ورثه مرحوم اسکندر سلطانفر یک پنجم من به تنهایی، صرفنظر از سایر ورثه مرحوم شهبازی، است.

این اراضی، پس از تیرباران و شهادت پدرم، توسط سرلشکر سیف‌الله همت، وصی صغار حبیب شهبازی، در همان فضایی که توصیف کردم، به قیمتی بسیار نازل، سالیانه ۱۵ هزار تومان، به تعدادی از اعضای دو خانواده اسفندیاری و سلطانفر اجاره داده شد. از این پس آنان مالک الرقاب دارنگان شدند و دیگر حاضر به استرداد اراضی و باغات فوق به ورثه نبودند. سرانجام، من در سال ۱۳۶۸، پس از شکایت به دادگاه حقوقی و جنگ و دعوای مفصل، موفق به استرداد بخشی از این اراضی شدم.

در این میان، اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع به معضلی برای ما بدل شد. مستأجرین مدعی شدند که چون اراضی دیمکار دارنگان در اجرای قانون فوق «ملی» اعلام شده، این اراضی به دولت تعلق دارد. ورثه مدعی بودند که این اراضی ملکی و مورد اجاره بوده و حل‌وفصل دعوی با اداره منابع طبیعی ربطی به مستأجرین ندارد و آنچه را که در اجاره‌شان بوده باید به موجرین پس دهند. دعوی با اداره منابع طبیعی مسئله مالکین است. سرانجام، در بند ۱۲ توافق‌نامه میان مستأجرین سابق و مالکین (ورثه مرحوم شهبازی)

چنین توافق شد:

«وضعیت بقیه اراضی محدوده ثبتی پلاک ۷۲ بخش ۲۳ فارس (دهستان کوهمره سیاخ) با اجرای ماده ۱۳ قانون ملی شدن مراتع و تعیین تکلیف نهایی اراضی منابع ملی از مستثنیات و نتیجه اعتراض اهالی به کمیسیون تبصره واحده رسیدگی به ماده ۵۶ تعیین خواهد شد و همگی طرفین حاضر توافق نمودند که نسبت به نتیجه رأی کمیسیون فوق تمکین و توافق و تبعیت کامل داشته باشند.»

بدینسان، بخش عمده اراضی دارنگان، که اراضی دیمکار بود، در تصرف مستأجرین سابق ماند تا نتیجه دعوای مالکین با اداره منابع طبیعی روشن شود.

در این میان، اراضی آب‌بند، که ملک اختصاصی مادرم بود و وی با مهریه خود آن را احیاء کرده و در اجاره مرحوم اسکندر سلطانفر قرار داشت، طبق صورتجلسه مورخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۷، که به امضای معتمدین محل و پاسگاه نیروی انتظامی و اسکندر سلطانفر و اعضای خانواده اسفندیاری رسیده به ورثه مرحوم شهبازی مسترد شد. این همان اراضی است که امروزه بخش عمده باغ‌شهرهای شرکت فارس مبین، وابسته به بنیاد تعاون بسیج، را تشکیل می‌دهد. ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۹ در دارنگان اجرا شد. رأی کمیسیون ماده ۵۶ درباره اراضی دارنگان را در صفحات آغازین این کتاب، به عنوان نمونه‌ای بارز از اقدامات غیرکارشناسانه سازمان جنگل‌ها و مراتع، درج کرده‌ام.^{۱۷} در آنجا توضیح کافی داده‌ام. طبق این رأی کل مساحت محدوده ثبتی دارنگان دو هزار هکتار اعلام شد که ۱۳۳۰ هکتار آن «ملی» و متعلق به دولت و ۶۷۰ هکتار آن متعلق به مردم است. من از زمانی که در سال ۱۳۶۲ اداره منابع طبیعی به لغو ماده ۶۴ در اراضی دارنگان دست زد و بدینسان بخش عمده اراضی دیمکار مالکی «منابع ملی» قلمداد شد، پیگیر ماجرا بودم. پس از تشکیل کمیسیون ماده واحده رسیدگی به اختلافات موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع از اولین کسانی در فارس بودم که علیه اداره منابع طبیعی به کمیسیون فوق شکایت کردم و سرانجام موفق شدم، به تنهایی و بدون کم‌ترین کمکی از سوی سایر مالکین، به جز برادرم شهباز، میزان مستثنیات را از ۶۷۰ هکتار به ۱۰۵۶ هکتار افزایش دهم. این تمامی حقوق ما نبود و لذا علیه رأی کمیسیون ماده واحده و اداره منابع طبیعی به دادگاه حقوقی شکایت کردم و پرونده شکایت من علیه اداره منابع طبیعی در شعبه

۲۲ حقوقی شیراز (آقای حسنی) مفتوح شد.

مسئله مهم در این میان، میزان اراضی دارنگان و مساحت محدوده ثبتی پلاک ۷۲ بود. من پس از بررسی متوجه شدم که رأی کمیسیون ماده ۵۶، که کل مساحت پلاک فوق را دو هزار هکتار اعلام و بر این مبنا مستثنیات و اراضی متعلق به دولت را ۱۳۳۰ هکتار و اراضی مالکین را ۶۷۰ هکتار اعلام کرده، به کلی بی پایه است. از نظر قانونی، رأی کمیسیون ماده ۵۶ مبنای مالکیت دولت و مردم است. من مدعی بودم که طبق این سند تنها ۱۳۳۰ هکتار از اراضی دارنگان دولتی است و مابقی به مالکین تعلق دارد و اداره منابع طبیعی مدعی بود که تنها ۶۷۰ هکتار، و پس از رأی کمیسیون تبصره واحده ۱۰۵۶ هکتار، متعلق به مالکین است و بقیه به دولت تعلق دارد! بررسی من ثابت می کرد که مساحت محدوده پلاک فوق حدود ده برابر میزان مندرج در رأی کمیسیون است. تپه ماهور بودن اراضی دارنگان و عدم تسلط اعضای کمیسیون بر منطقه عامل مهمی در این اشتباه فاحش بود. من خود در زمان بازدید کمیسیون از دارنگان حضور داشتم. آمدند و در خانه کدخدا، مرحوم حاج هدایت الله اسفندیاری، نهار خوردند و دوری زدند و چیزی نوشتند. بازدید و مساحی اراضی در کار نبود. به عمق مرزهای غربی و جنوبی پلاک فوق نرفتند.

پیگیری های من ادامه یافت. در سال ۱۳۶۶، پس از تلاش فراوان و بازدید از منطقه و جروبحث های طولانی، سرانجام موفق شدم کارشناسان و مسئولان جنگلداری شهرستان شیراز را قانع کنم که نقشه اداره منابع طبیعی از پلاک ۷۲ (دارنگان) به کلی نامنطبق با طبیعت پلاک فوق است. آنان طی نامه ۵۷۰۶ مورخ ۲۵ آذر ۱۳۶۶ این مسئله را رسماً اعلام کردند. چنان از به دست آوردن این سند شاد شدم که بلافاصله از آن «کپی برابر اصل» گرفتم که اگر از پرونده به سرقت رفت نسخه معتبر و قابل ارائه به مراجع قضایی در دست داشته باشم.

همپای پیگیری دعوی حقوقی علیه اداره منابع طبیعی، پیگیری برای اثبات باطل بودن رأی کمیسیون و نقشه های منابع طبیعی و دستکاری های فاحشی که در مرزهای غربی و جنوبی پلاک دارنگان شده را ادامه دادم. در اول دی ۱۳۸۵ به دفتر کل ممیزی اراضی، که عالی ترین مرجع فنی رسیدگی به این امر در سازمان جنگل ها و مراتع کشور است، شکایت کردم و سرانجام کارشناسان آن دفتر نظر مرا تأیید کردند. مدیرکل ممیزی اراضی از تهران طی نامه ای به مدیرکل منابع طبیعی فارس، ضمن تأیید دعوی من دال بر عدم رعایت حدود ثبتی، دستور داد که مسئله توسط «نماینده و نقشه بردار ثبت» مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تأیید آنان «نسبت به اصلاح کلیه مراحل اجرای [اجرایی] حسب نقشه ثبتی اقدام» گردد.

این بدان معناست که کلیه اقدامات اداره منابع طبیعی از سال ۱۳۴۹ تاکنون در اراضی دارنگان باید ابطال شود و مجدداً ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل ها و مراتع در پلاک فوق اجرا گردد.

مدیرکل منابع طبیعی فارس، مهرزاد خرد، ابتدا دو کارشناس دفتر ممیزی اداره کل استان را برای بازدید به محل فرستاد. به همراه آنان از حدود غربی و جنوبی پلاک دیدن کردیم و با نقشه تطبیق دادیم. دو کارشناس مجرب فوق، آقایان مهدی اسدی مهر و فرزاد بردبار، نظر کارشناسان تهران و دفتر کل ممیزی و من را تأیید کردند. آنان به عینه دیدند که در حد غربی چهار و نیم کیلومتر اراضی دارنگان به سرقت رفته و جزو پلاک مجعولی به نام «آب بند» از سوی اداره منابع طبیعی ثبت مکرر شده و در حد جنوبی کلیه اراضی زراعی کوهپایه از محدوده ثبت شده خارج گردیده و به نام منابع طبیعی ثبت مکرر شده است. این تخلف و تقلب بین بود. معهدا، مهرزاد خرد، به دستور کسانی که چشم طمع به اراضی دارنگان داشتند و هم‌اکنون، به‌رغم مفتوح بودن پرونده شکایت حقوقی من و سایر ورثه علیه اداره منابع طبیعی، برخلاف قانون به تخریب و تفکیک و فروش این اراضی مشغول‌اند و حمایت‌شان هم می‌کنند، از اجرای دستور مدیرکل دفتر ممیزی طفره رفت و جوابی نامعقول ارسال کرد که متضمن گزارشی مبهم و کلی از سیر پرونده بود. پیگیری من ادامه یافت و دفتر ممیزی کل دو نامه پیگیری، مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۸۶ و ۲۶ آذر ۱۳۸۶، برای اداره کل فارس فرستاد. اقدامی نشد. چنین رویه‌ای از جانب مهرزاد خرد معنی داشت. کسان قدرتمندی در پشت او بودند و به او دستور می‌دادند اقدام نکنند. این نیروی تحریک کننده و آمر به مهرزاد خرد قطعاً آقای شهاب حائری، رئیس دفتر امام جمعه، بود.

بنابراین، در اصل مالکیت من و خانواده‌ام هیچ شک و شبهه‌ای نیست. دعوا بر سر این است که مساحت محدوده ثبتی دارنگان چقدر است و از این میان میزان اراضی متعلق به مالکین و اراضی متعلق به دولت (منابع طبیعی) چقدر است. اراضی پلاک دارنگان به هر میزان که تعیین شود، ۲۱ سهم از سی سهم آن به ورثه مرحوم شهبازی و از این میان یک دهم از کل دارنگان به شخص من تعلق دارد.

مضحک است ولی باور کنید، به‌رغم این‌که در رأی کمیسیون ماده ۵۶، ملاک قانونی مالکیت دولت و مردم، کل محدوده پلاک دو هزار هکتار اعلام شده و ۱۳۳۰ هکتار آن متعلق به دولت؛ در ۹ مرداد ۱۳۸۴، با شیادی که شرح خواهیم داد، در اجرای مقررات ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، یعنی تفکیک اراضی دولتی از خصوصی، مقدار ۶۸۳۰ هکتار و ۶۲۱۴ متر مربع از اراضی مزروعی دیمکار قدیمی، جدا از اراضی کوهپایه دلو و جنگل بلوطدان و اراضی در غرب و جنوب پلاک دارنگان از پلاک فوق به سرقت رفته و توسط اداره منابع طبیعی ثبت مکرر شده، به نام سازمان جنگل‌ها و مراتع ثبت شده است. اگر کل پلاک فوق دو هزار هکتار است چگونه می‌توان تنها در یک پلاک فرعی آن ۶۸۰۰ هکتار زمین تفکیک کرد؟ آیا این تناقض به تنهایی برای ابطال رأی کمیسیون ماده ۵۶ و تجدید

مراحل اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در دارنگان کفایت نمی‌کند؟

آنچه گفته شد، کلیات و مجمل ماجرا بود. مفصل‌تر آن را در متن زیر بخوانید. این گزارشی است که در ۳ مرداد ۱۳۸۶ برای کارشناسان رسمی تعیین شده از سوی قاضی شعبه ۲۳ حقوقی شیراز، در پی شکایت مجدد من علیه اداره منابع طبیعی، تهیه کرده‌ام. همه پیوست‌های ارجاع داده شده در این گزارش را در کتاب حاضر درج نمی‌کنم زیرا موجب قطور شدن بیش از حد آن خواهد شد.

هیئت محترم کارشناسان دادگستری

تعیین شده از سوی شعبه ۲۳ دادگاه حقوقی شیراز

۱- اراضی و قریه مشهور به «دارنگان» یا «دارنگون»، که در اسناد رسمی «دارنجان» نامیده می‌شود، از معدود قراء قدیمی معمور از دوره ساسانی است که نام آن در متون کهن، مانند *فارسنامه* اصطخری، *فارسنامه* ابن بلخی، *نزهت القلوب* حمدالله مستوفی، *سفرنامه ابن حوقل* و غیره، به ثبت رسیده است. این نام تحریف شده «دارگان»، به معنی «درختگاه»، است. منطقه‌ای چنین کهن با مناطقی بایر، مثلاً با اراضی جنوبی کوه سبزیوشان (کوه قبله) که در آن طرح «فلاحت در فراغت سیاخ» اجرا شده، تفاوت ماهوی دارد و از نظر عقلی نمی‌تواند در این دوران طولانی ۱۵۰۰ ساله باثر و نامعمور باشد. بقایای آثار باستانی و قنوات کهن و باغات بسیار قدیمی در کوه و کوهپایه، که هم‌اکنون در محدوده مورد دعوی اداره منابع طبیعی واقع شده، گواه بر این مدعا است.

پیش از تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک در دوره رضا شاه، مالکیت دارنگان، طبق بنچاق‌ها و قباله‌های قدیمی و دقیق - که بسیاری از آن‌ها موجود است، به خرده‌مالکین بومی تعلق داشت... پس از تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک، میرزا احمد خان قوامی (مؤیدالملک)، نماینده شیراز در مجلس شورای ملی که بسیار متنفذ بود (وی عموزاده علی قوام داماد رضا شاه پهلوی بود)، محدوده دارنگان را به نام خود و تحت عنوان پلاک ۷۲ از بخش ۲۳ فارس به ثبت رسانید.

شهید حبیب‌الله شهبازی از سوی خود و به نمایندگی از کلیه خرده‌مالکین بومی به وی مراجعه کرد و، پس از کشمکش حقوقی در دادگاه و دیوان عالی تمیز و چانه‌زنی‌های بسیار، سرانجام مؤیدالملک پذیرفت که در قبال دریافت ۶ هزار تومان اسناد ملک را به مالکین اصلی منتقل کند. خرده‌مالکین، که توان پرداخت مبلغ فوق را نداشتند، به متمولین شیراز مراجعه کردند و سرانجام مرحومان حاج شعبان و حاج صفر کشتکاران و حاج محمدحسین کتیرایی و خانی نورمند کلیمی، که جرئت ریسک بیش‌تر داشتند، حاضر شدند مبلغ فوق را در ازای سه دانگ دارنگان بپردازند. به این

ترتیب، سند سه دانگ دارنگان به افراد فوق انتقال یافت و اسناد سه دانگ دیگر به خرده مالکین محلی.

در سال‌های بعد به تدریج مرحومان مسیح‌الله و حبیب‌الله شهبازی، با فروش املاک برنجکار و باغات موروثی خود در سایر نقاط کوهمره (رخسنه، رمقان، مسقان و بیگدانه)، سه دانگ فوق را از مالکین شهری نامبرده خریداری کردند و مقداری از اراضی خرده مالکین بومی را نیز خریدند. به این ترتیب، در نهایت مالکیت ایشان به بیش از چهار دانگ از شش دانگ پلاک ۷۲ رسید. با فوت مرحوم مسیح‌الله شهبازی در سال ۱۳۳۵ ارثیه نامبرده به شهید حبیب‌الله شهبازی رسید.

محدوده‌ای که از سوی اداره محترم منابع طبیعی شیراز به عنوان «تخریب» ذکر شده و پرونده آن در شعبه نهم بازپرسی مجتمع فرهنگ شهر در دست رسیدگی است، بخشی از مالکیت اینجانب موروثی از پدرم شهید حبیب‌الله شهبازی در محدوده پلاک فوق است که از قدیم (همان زمان ثبت و نقشه) محل زراعت آبی (در حاشیه چشمه حسن بیگی) و دیم بوده و در قسمت جنوبی آن (تنگ مشهور به آب تخک که هم‌اکنون روستای قدیمی محمودآباد در آستانه آن واقع است) باغات بوده است.

۲- تقاضای ثبت در ۲۰ شهریور ۱۳۰۹ از سوی مرحوم میرزا احمد خان قوامی انجام گرفته، آگهی نوبتی و تحدید به موقع صادر گردیده و در ۲۳ مهر ۱۳۱۳ طبق صورتمجلس تحدیدی نقشه برداری شده است. (اسناد مربوطه، آگهی نوبتی و اعلان و صورتمجلس تحدیدی و نقشه ثبتی به پیوست است. پیوست ۳)

۳- همان‌طور که در اسناد مذکور (پیوست ۳) ملاحظه می‌گردد، در صورتمجلس تحدیدی و نقشه ثبتی حد غربی پلاک مذکور تلال بیدکریه، گردنه گلستانه، راه کوهمره کراچ به تنگ شور تا تلاقی آن به رودخانه قره‌آقاج ذکر شده است.

این حد مورد تأیید رسمی ادارات ثبت و منابع طبیعی می‌باشد هر چند در عمل اداره منابع طبیعی تخلفاتی در حدود غربی و جنوبی انجام داده که مسئله از طریق دادگاه محترم شعبه ۲۳ و مراجع ذیربط در سازمان جنگل‌ها و مراتع در دست رسیدگی است.

۴- در مالکیت اراضی پلاک فوق نقل و انتقالاتی انجام یافته و در نهایت چهار دانگ و ۱۱۱ سهم مشاع از ۳۰۰۰ سهم کل شش دانگ در سهمی شهید حبیب‌الله شهبازی قرار گرفته است که در استعلام‌های ثبتی به طور خلاصه به صورت بیست سهم و ۱۱۱ صدم سهم از ۳۰ سهم مشاع نیز ذکر می‌شود.

۵- در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۴۳ آقای حبیب‌الله شهبازی توسط حکومت وقت تیرباران شد و پس از شهادت ایشان مرحوم سرلشکر بازنشسته سیف‌الله همت به عنوان وصی

- صغار مرحوم شهبازی تعیین گردید. در انحصارورثه، آقای عبدالله شهبازی احد از صغار مرحوم حبیب‌الله شهبازی و مالک دو سهم از چهارده سهم (یا یک هفتم) از ماترک آن مرحوم است. (انحصارورثه به پیوست است. پیوست ۴)
- ۶- در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۴۷ کلیه خرده‌مالکین به همراه سرلشکر سیف‌الله همت (وصی صغار شهید حبیب‌الله شهبازی) در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴ حضور یافته و سند شماره ۳۷۶۷۰ را امضا کردند که طی آن کل شش دانگ پلاک ۷۲ بخش ۲۳ به ۳۰ سهم تقسیم شده و بیست سهم و نود و پنج صدم سهم (۲۰/۹۵) از کل سی سهم مشاع پلاک فوق در سهمی شهید حبیب‌الله شهبازی قرار گرفته است. (پیوست ۵)
- ۷- در وصیت نامه مرحوم حبیب‌الله شهبازی، ایشان سهام خود را به دقت و با ذکر جزئیات ۲۰ سهم و ۱۱۱ صدم سهم از کل سی سهم مشاع ذکر کرده که با مقدار مندرج در توافق‌نامه مرحوم سرلشکر همت (وصی صغار مرحوم شهبازی) با خرده‌مالکین وقت ۸۳۹ سهم از یک سهم از سی سهم کمتر از میزان فوق است. با بررسی دقیق اسناد ثبتی مشخص شد که سهم مرحوم شهبازی همان چهار دانگ و ۱۱۱ سهم از سه هزار سهم مشاع است. پس از بررسی دقیق اسناد مالکیت، این مقدار از سهام در استعلام جدید ثبت شماره ۳۷۵۰ مورخ ۲۳/۱/۸۴ منعکس شده است. (تصویر صفحه مربوطه در وصیت نامه مرحوم شهبازی و دو نمونه استعلام ثبتی و استعلام مذکور به پیوست است. پیوست ۶)
- ۸- در اجرای قانون تقسیم اراضی حکومت پهلوی، بخشی از اراضی فوق به زارعین صاحب نسق انتقال یافته و در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۵۳ سند ثبتی زارعین در دفترخانه شماره ۳۹ شیراز تحت شماره ۴۳۵۹۰ صادر گردیده است. (پیوست ۷)
- ۹- طبق صورتمجلس تفکیکی مورخ ۱۳/۷/۱۳۵۱ و نقشه تفکیکی مربوطه، اراضی زارعین طی سه پلاک فرعی یک و دو و سه از پلاک ۷۲ اصلی منتزع شده و بقیه اراضی پلاک ۷۲ در سهمی مالکین قرار گرفته است. (پیوست ۷)
- ۱۰- در اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، در تاریخ ۱۸/۳/۱۳۴۷ آقای رزاقی، سرجنگلبان کوهمره سُرخ، در برگ تشخیص حدود اربعه ثبتی را به درستی طبق تحدید حدود و نقشه ثبتی ذکر کرده و مساحت کل پلاک را سی هزار هکتار اعلام ملی نموده که منجر به درج آگهی و اعتراض سرلشکر همت (وصی صغار مرحوم شهبازی) در تاریخ ۱۲/۷/۱۳۴۷ شده است.
- ۱۱- در ادامه اجرای قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع، در تاریخ ۹/۹/۱۳۴۹ کمیسیون ماده ۵۶ رأی خود را صادر کرده است. در این رأی پنج صفحه‌ای، چهار صفحه به رد نظر آقای رزاقی، سرجنگلبان وقت منطقه، اختصاص یافته و آقای مهندس دباغ،

نماینده سرپرستی منابع طبیعی، استدلال کرده که محدوده پلاک فوق دو هزار هکتار نه سی هزار هکتار می‌باشد.

نتیجه رأی کمیسیون ماده ۵۶ به شرح زیر است: کل محدوده، طبق همان حدود مندرج در تحدید حدود و نقشه ثبتی، دو هزار هکتار است که یکهزار و سیصد و سی (۱۳۳۰) هکتار ملی و متعلق به دولت و ششصد و هفتاد (۶۷۰) متعلق به خرده‌مالکین و زارعین صاحب نسق قانون تقسیم اراضی می‌باشد. (پیوست ۸)

تعیین صریح و بدون ابهام دو هزار هکتار به عنوان محدوده پلاک فوق و تعیین صریح ۱۳۳۰ هکتار آن به عنوان اراضی ملی در رأی کمیسیون ماده ۵۶ مبنای ابهام‌هایی در میزان مالکیت دولت در پلاک فوق است که بعداً شرح داده خواهد شد.

۱۲- در سال ۱۳۵۰ خرده‌مالکین تقاضای اجرای ماده ۶۴ در پلاک ۷۲ را می‌نمایند و سرانجام علاوه بر ۶۷۰ هکتار ذکر شده در رأی کمیسیون ماده ۵۶ به میزان ۱۳۲۱/۴ هکتار اراضی معمور نیز به عنوان ماده ۶۴ در تملک خرده‌مالکین قرار می‌گیرد.

در نقشه بهمن ۱۳۵۱ اداره منابع طبیعی شیراز، که توسط آقایان تیبیا، شکرگزار، زیکاری و رزاقی نقشه‌برداری شده، مساحت کل پلاک ۷۸۸۶ هکتار، میزان اراضی منابع ملی ۵۸۹۵ هکتار، میزان اراضی مالکین طبق ماده ۵۶ همان ۶۷۰ هکتار و میزان اراضی ماده ۶۴ مالکین ۱۳۲۱/۴ هکتار ذکر شده است. (تصویر نقشه فوق به پیوست است. برگ دوم از پیوست ۹) لازم به توضیح است که میزان مساحت پلاک و اراضی منابع ملی مندرج در این نقشه به کلی مغایر است با مندرجات رأی کمیسیون ماده ۵۶ که مساحت کل پلاک را دو هزار هکتار و میزان منابع ملی را ۱۳۳۰ هکتار ذکر کرده بود.

۱۳- در سال ۱۳۶۲ اداره منابع طبیعی به لغو اراضی ماده ۶۴ در پلاک ۷۲ دست زد و به این ترتیب بخش عمده اراضی ملکی قدیمی دارنگان در حوزه مورد تنازع با اداره منابع طبیعی قرار گرفت. با این اقدام، بخش مهمی از اراضی و ابنیه و باغات معمور قدیمی، از جمله مزارع و باغات جنوبی و غربی و شمالی قلعه خسرو خان گپ (متعلق به دوره محمد شاه قاجار) و حتی قناتی که آب آشامیدنی قلعه فوق را از تنگ سوزه (منتهی‌الیه غربی پلاک دارنگان) تأمین می‌کرد و نیز گورستان قدیمی متعلق به آن زمان در محدوده مورد ادعای اداره منابع طبیعی قرار گرفته؛ همان‌گونه که باغات کهن گردوان چند صد ساله تنگ خانی (واقع در مرز شرقی پلاک دارنگان و حدفاصل دارنگان با موقوفه حسین آباد) نیز در محدوده مورد ادعای اداره منابع طبیعی قرار گرفته است. (مراجعه شود به گزارش تأمین دلیل آقای عباسعلی مقرب کارشناس محترم رسمی و نیز عکس‌های هوایی که درختان کهنسال گردوی تنگ خانی را نشان می‌دهد. پیوست ۱۰)

این اقدام اداره منابع طبیعی سبب اغتشاش و ابهام در مالکیت در پلاک ۷۲ شد و دست مستاجرین و ایادی آن‌ها را برای تصاحب املاک مورد اجاره ورثه مرحوم شهبازی (که از زمان شهادت آن مرحوم در مهر ۱۳۴۳ تا تابستان ۱۳۶۸ در تصرف مستاجرین بود)، حتی ابنیه و باغات قدیمی واقع شده در محدوده ماده ۶۴ لغو شده، باز گذاشت و کشاکش و فتنه و صدمات غیرقابل جبرانی را موجب شد که تاکنون ادامه دارد.

۱۴- در زمان اجرای مقررات ماده ۵۶ (۱۳۴۹) تا لغو ماده ۶۴ (۱۳۶۲) مستأجران املاک وراثت مرحوم حبیب‌الله شهبازی از طریق بستگان خود در اداره منابع طبیعی ذینفوذ بودند: آقای مهندس ایرج سلطانفر، از مقامات متنفذ و بلندپایه منابع طبیعی وقت در فارس، برادرزاده احد از مستأجران (مرحوم اسکندر سلطانفر) بود.

به نظر می‌رسد مستأجران با ایجاد اغتشاش در اجرای ماده ۵۶ (ارائه نادرست محدوده ثبتی و دستکاری در حدود غربی و جنوبی پلاک ۷۲، ارائه نادرست مساحت پلاک، ارائه جنگل و کوه به عنوان مستثنیات و در مقابل ارائه اراضی دائر به عنوان منابع طبیعی) به مرحوم زمان‌الله عابدی (مستأجر روستای کدنج) تاسی کرده بودند. مرحوم زمان عابدی مستأجر ورثه مرحوم شوشتری (مالک کدنج) بود و در اجرای ماده ۵۶ صدها هکتار از اراضی معمور کدنج را به عنوان «منابع ملی» صورت داد و سپس تحت عنوان اراضی فاقد پلاک به نام خود ثبت کرد و به آقایان احمد اصغری و حاج ابراهیم رزم آهنگ و دیگران فروخت.

۱۵- اقدام اداره منابع طبیعی در ملی اعلام نمودن بخش مهمی از اراضی پلاک ۷۲ اعتراض اینجانب را برانگیخت و از طرق اداری (مانند شکایت به دفتر حقوقی وزارت کشاورزی به شماره ۲۸۰۱ مورخ ۱۳۶۶/۷/۲۷) به پیگیری امر پرداختم و با توجه به فقدان قانون برای رسیدگی به اعتراضات مربوط به ماده ۵۶ مسئله دستکاری در حدود اربعه را، که به کاهش شدید مساحت پلاک ۷۲ و به تبع آن کاهش شدید مستثنیات، انجامیده مورد تأکید قرار دادم و حتی موفق شدم پس از تلاش فراوان و معاینه محل نظر کارشناسان جنگلداری وقت شهرستان شیراز را به صحت دعوی خود جلب کنم و نامه شماره ۵۷۰۶ مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۵ این اداره به سرجنگلداری کل استان فارس را دریافت کنم دال بر این که «با بررسی که بر روی پرونده دارنگون پلاک ۷۲ بخش ثبتی ۲۳ به عمل آمده معلوم گردید که نقشه موجود با رأی کمیسیون مطابقت ندارد. با عنایت به این که ملاک عمل جنگلداری رأی کمیسیون ماده ۵۶ می‌باشد خواهشمند است در این مورد بررسی و اقدامات لازم معمول و نتیجه را به این جنگلداری اعلام فرمایید.» متأسفانه، سرجنگلداری کل فارس هیچگاه به این نامه پاسخ نداد. (پیوست ۱۱)

۱۶- با تصویب طرح تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده ۵۶ و تعیین هیئت رسیدگی به اختلافات فوق (معروف به «هیئت ماده واحده») اینجانب شکایت خود را به شماره ۸۵ مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۹ در دبیرخانه شیراز آن هیئت ثبت کردم.

۱۷- در دیماه ۱۳۷۳ پیرو مذاکرات با مقامات مسئول، پیرو اغتشاش و هرج و مرجی که منجر به تضییع حقوق ورثه شهید شهبازی شده و دستور مقامات فوق، آقای محسنی، مدیرکل وقت منابع طبیعی استان فارس، طی حکمی آقای مرتضی لطفی، مسئول حقوقی آن اداره کل، و نیز مدیرکل وقت اطلاعات آقای پورامامی را به عنوان نماینده آن اداره کل رسماً مأمور کردند. دو مقام رسمی فوق به همراه اینجانب وارد مذاکره با زارعین سابق اراضی شدند، که اینک به دلیل مسمی اعلام شدن اراضی آنان «متصرف» به شمار می‌رفتند. سرانجام، نمایندگان متصرفین در صورتجلسه‌هایی پذیرفتند که با اینجانب مصالحه نموده و اداره کل منابع طبیعی نیز پس اراضی مورد تصرف را به آنان واگذار نماید. این صورتجلسه‌ها به امضای نمایندگان رسمی منابع طبیعی و اطلاعات رسیده است. (پیوست ۱۲)

نکته مهم در این دو صورتجلسه (اولی مورخ اول بهمن ۱۳۷۳، دومی مورخ ۴ بهمن ۱۳۷۳) اولاً ذکر نام اینجانب به عنوان «مالک اصلی» اراضی فوق است؛ ثانیاً حضور نمایندگان روستای علی آباد خوشابلو و امضای آنان در ذیل مصالحه‌نامه که در نقشه کنونی منابع طبیعی محدوده اراضی آنان از پلاک ۷۲ منتزع شده و تحت عنوان پلاک آب‌بند به نام دولت به ثبت رسیده است. توضیح این که اراضی روستای علی آباد خوشابلو (آینه قری) در محدوده ثبتی پلاک ۷۲ واقع است. در این باره بعداً توضیح خواهم داد. بهررو، صرف امضای این صورتجلسه از سوی نماینده حقوقی منابع طبیعی دال بر ذیحق بودن اینجانب است.

این مصالحه به دلیل برخی کارشکنی‌ها و تحریکات محلی از سوی مستأجرین سابق (خانواده‌های اسفندیاری و سلطانفر) به نتیجه نرسید.

۱۸- در سال ۱۳۷۶ هیئت مقرر در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ شهرستان شیراز (هیئت ماده واحده) از محل بازدید کرد؛ قاضی مربوطه اعتراض اینجانب را پذیرفت و در تاریخ ۶ آذر ۷۶ رأی خود را صادر کرد به شماره ۶۹۳/م و. (پیوست ۱۳)

در رابطه با این رأی سه نکته حائز اهمیت است:

الف) در رأی فوق هیچ اشاره‌ای به حدود اربعه و مساحت پلاک نشده و اصلاحی در این زمینه صورت نگرفته است.

ب) در رأی فوق، با توافقی که میان اینجانب و اداره منابع طبیعی صورت گرفت، مزرعه موسوم به خانیک (در کوهپایه دلو واقع در حد فاصل تنگ چنارزرد و تنگ آب تخک) که تا این زمان جزو مستثنیات بود، به اداره منابع ملی واگذار شد و در مقابل به اندازه مساحت آن از مزارع بردزول و کوشکک (حاشیه رودخانه قره آقاج) به مستثنیات افزوده شد. علت محدودیت مساحت مستثنیات بود که در بند بعد توضیح خواهم داد. مضحک است که مزرعه‌ای مدتی مستثنیات قلمداد شود، مدتی بعد منابع ملی و این سیکل ادامه یابد.

ج) معضل اصلی در رأی فوق اتکا قاضی محترم (آقای محمد نوروزی)، به‌رغم حسن نیت ایشان و سایر اعضای کمیسیون، به مبذر زراعی قانون تقسیم اراضی بود. علت این بود که رأی فوق در ماه‌های اولیه شروع فعالیت کمیسیون ماده واحده صادر شد و هنوز فضای دوران کمیسیون ماده ۵۶ بر ذهنیت ادارات ذیربط حاکم بود. به‌رغم استدلال اینجانب بر مبسوط‌الید و تام‌الاختیار بودن قاضی مقرر در ماده واحده (که منجر به اصلاح ماده فوق در شورای نگهبان و بازگشت آن به مجلس شد) هنوز این ذهنیت وجود نداشت که قاضی مستقل است، و مالک معترض (بخش خصوصی) و ادارات دولتی (بخش دولتی) دو طرف متساوی‌الحقوق در محکمه عدالت و در محضر قاضی هستند. به عبارت دیگر، قاضی می‌تواند بدون توجه به مبذر اعلام شده از سوی سازمان اصلاحات ارضی سابق و با اتکا بر ادله‌ای چون معمور بودن و قدمت اراضی و وجود ابنیه و باغات و قنوات رأی بر مستثنیات بودن اراضی صادر کند. این رویه‌ای است که در سال‌های بعد بسیاری از قضات در صدور رأی ماده واحده در پیش گرفتند که منجر به احقاق حقوق مردم در بسیاری از مناطق (مثلاً استان کهگیلویه و بویراحمد) شد.

بهرروی، در زمان شروع کار هیئت ماده واحده که هنوز فضای کمیسیون ماده ۵۶ بر ادارات ذیربط حاکم بود، و صرفاً با اتکا بر اشتباهی که در اعلام مبذر قانون تقسیم اراضی صورت گرفته، و کاملاً بی‌توجه به معمور بودن اراضی که در رأی مورد تصریح واقع گردیده، میزان مستثنیات از ۶۷۰ هکتار مندرج در رأی کمیسیون ماده ۵۶ به ۱۰۵۶/۳ هکتار افزایش یافت. به این ترتیب، باز بخش عمده اراضی زراعی دارنگان در حوزه ادعای اداره منابع طبیعی قرار گرفت.

۱۹- عدم اصلاح مساحت پلاک ۷۲ مندرج در رأی کمیسیون ماده ۵۶ (دو هزار هکتار) در رأی ماده واحده و تعیین ۱۰۵۶ هکتار و سه هزار مترمربع به عنوان مستثنیات عملاً بدان معنی است که تنها ۹۴۳ هکتار و هفت هزار متر مربع از اراضی پلاک ۷۲ به دولت تعلق دارد و مازاد آن مستثنیات مالکین تلقی می‌شود. این در حالی است که محدود پلاک فوق به مراتب بیش از این است.

۲۰- اتکاء قاضی محترم ماده واحده صرفاً بر مبذر قانون تقسیم اراضی بود. صرفنظر از اینکه قاضی مهم‌ترین عامل یعنی معمر بودن اراضی و قدمت دائر بودن آن را مورد توجه قرار نداد، به سیاسی بودن پرونده شهید حبیب‌الله شهبازی در سازمان اصلاحات ارضی سابق و اعمال غرض‌های ویژه برای مصادره اموال وی نیز توجه ننموده که منجر به تضییع حقوق فاحش ورثه آن مرحوم شده است.

قانون تقسیم اراضی در مورد املاک مرحوم شهبازی در فضایی اجرا شد که نامبرده به دلیل قیام مسلحانه علیه حکومت پهلوی و حمایت از نهضت امام خمینی (ره)، در سلول انفرادی و زندان به سر می‌برد و در دادگاه ویژه زمان جنگ شیراز محکوم به تیرباران شده بود. در این رابطه سه سند تقدیم می‌گردد:

اول) صفحه اول سه شماره روزنامه‌های آن زمان که در آن محمدرضا شاه پهلوی اعلام کرده: «املاک اخلاص‌گران که موجب سلب آسایش و امنیت ملی می‌شوند بین دهقانان تقسیم خواهد شد.» در روزنامه دیگر اسدالله علم (نخست‌وزیر وقت) اعلام کرده: «کشتارکنندگان جنوب قلع و قمع شدند- مأمورین مشغول تقسیم اراضی یکی دو نفر از کشتارکنندگان به طور رایگان بین زارعین هستند.» و در صفحه اول روزنامه اطلاعات: «املاک حبیب شهبازی در فارس آماربرداری شد و به زودی تقسیم می‌شود.» (تصویر اسناد و نیز تصویر اعلامیه‌های مرحوم شهبازی در حمایت از امام، که در جلد اول کتاب نهضت امام خمینی نوشته حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی نیز مندرج است، و تصویر آن مرحوم در زمان تیرباران به پیوست است. پیوست ۱۴)

دوم) پرونده مرحوم شهبازی در بایگانی ساواک منحل (مرکز اسناد کنونی وزارت اطلاعات) به شماره ۷۳۱۸۵ موجود است. مندرجات این پرونده نشان می‌دهد که برای اجرای قانون تقسیم اراضی در املاک حبیب‌الله شهبازی سازمان اصلاحات ارضی تابع سیاست‌های کلی حکومت پهلوی در مورد مرحوم شهبازی بوده است. برای نمونه، در استعلام شماره ۲۴۸۴/م مورخ ۱۳۴۲/۸/۸ سازمان اصلاحات ارضی از وزیر کشاورزی وقت «نظر عالی و سیاست دولت» خواستار و کسب تکلیف شده است. (پیوست ۱۵، برگ اول)

سوم) نامه مرحوم شهبازی از سلول انفرادی به رؤسای سازمان اصلاحات ارضی و سازمان امنیت شیراز مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۲ به پیوست تقدیم می‌گردد. در این نامه مرحوم شهبازی اعلام می‌کند: «... برای تضییع حقوق اینجانب حداکثری حقه‌بازی و کلاه‌برداری و صحنه‌سازی شده و مأمورین دانسته یا ندانسته به‌کلی از

جریان واقعی اغفال و منحرف ساخته‌اند و حتی از طرف ژاندارمری با زور سرنیزه مبادرت به این اقدامات و تضييع حق شده. ملک اینجانب همیشه فاقد رعیت بوده و وسائل و ادوات کشاورزی اینجانب در فارس منحصر به فرد است. اینک به قدری برای ملک اینجانب صاحب تراشیده‌اند که می‌توانم عرض کنم فقط کسی که خود را رعیت ملک اینجانب معرفی ننموده خواجه حافظ و شیخ سعدی خواهند بود...» (پیوست ۱۵، برگ دوم)

در چنین فضایی مبذر تعیین شده از سوی سازمان اصلاحات ارضی وقت نمی‌توانست واقعی باشد: مالک زندانی و مغضوب حکومت وقت بود و در معرض تیرباران. منطقه (از جمله قلعه مسکونی مرحوم شهبازی در دارنگان) در تصرف نظامیان بود که به شدت در حال سرکوب و دستگیری و شکنجه و کشف سلاح از عشایر کوهمره سُرخي بودند، نماینده و وکیل برای دفاع از حقوق مرحوم شهبازی در محل حضور نداشت، و وزیر وقت کشاورزی (سپهبد اسماعیل ریاحی فرمانده سابق سپاه جنوب) و رئیس وقت سازمان اصلاحات ارضی (عبدالعظیم ولیان رئیس دفتر ریاحی در زمان فرماندهی سپاه جنوب) از زمان حضور در فارس دشمنان شخصی سرسخت مرحوم شهبازی بودند. (اسناد موجود است و در صورت نیاز ارائه خواهد شد.)

چگونه چنین مبذری می‌تواند در جمهوری اسلامی ایران، که مرحوم شهبازی «شهید» و مورد تجلیل است، مبنای اجرای قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع قرار گیرد؟

۲۱- علیهذا، پس از شکایات و اقدامات اداری بی‌ثمر، سرانجام در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۷ دادخواستی علیه رأی قاضی محترم هیئت ماده واحده و اداره منابع طبیعی شیراز به شعبه ۳۳ دادگاه عمومی شیراز واقع در مجتمع قضایی قصرالدشت (آقای حسینی) تقدیم شد که به شماره ۱۹/۲۳ - ۳۳/۸۰ به ثبت رسید. (این شعبه بعداً به شعبه ۲۲ تغییر نام داد.) [پیوست ۱۶]

متعاقب آن، نامه‌ای به شماره ۸۹۳۹۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۵ به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شیراز داده شد و با استناد به پرونده فوق و وجود معارض در خواست گردید که از اجرای ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع (تفکیک اراضی دولتی از اراضی خصوصی) و واگذاری، به دلیل وجود معارض، خودداری شود. (پیوست ۱۷)

۲۲- پرونده مذکور سرانجام به مرحله کارشناسی رسید و آقای سید جواد قائمی به عنوان کارشناس تعیین شد. در دیدار مفصل با نامبرده شرح ماجرا را به استحضار رسانیدم و ایشان حقانیت دعوی اینجانب را پذیرفت و قول داد که اگر مستندات دال بر

اجرای ماده ۶۴ و سپس لغو آن به ایشان عرضه کنم نظریه به سود اینجانب خواهند داد. متأسفانه، در این زمان در تهران سکونت داشته و در امور پژوهشی و علمی مستغرق بودم و سوابق پرونده دارنگان نیز در دسترس نبود. دادگاه صرفاً به استعلام از ادارات منابع طبیعی و ثبت اسناد اکتفا کرد. هر دو اداره، به دلیل قصور و کیل وقت اینجانب و خودم، پاسخ مبهم دادند. برای مثال، اداره ثبت شیراز در نامه شماره ۱۰۵۲۵۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹ به شعبه فوق نوشت: «چنانچه [پلاک ۷۲] مشمول ماده ۶۴ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع کشور گردیده است این اداره بی اطلاع است.» (پیوست ۱۸) این مسئله نادرست است و کارشناسان مربوطه برای یافتن سوابق اجرای ماده ۶۴ در اراضی دیمکار دارنگان و انعکاس آن به دادگاه و کارشناس محترم فوق به خود زحمت نداده‌اند.

لذا، نظریه آقای قائمی آن گونه که پذیرفته بودند مکتوب نشد. معهذا، ایشان در نظریه کتبی مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ خود به صراحت، تصریح کرده‌اند که قاضی ماده واحده در صدور رأی «به سوابق پلاک از جهت اجرای قانون و مقررات اصلاحات ارضی توجه داشته» یعنی سبق معمو و دائر بودن اراضی مورد توجه قاضی محترم ماده واحده قرار نگرفته؛ و در پایان افزوده‌اند: «مقدار مازاد بر مستثنیات در رأی معترض عنه، که مورد ادعای خواهان‌ها می‌باشد، به نظر اینجانب علاوه بر اراضی قابل تقسیم، زمین‌هایی بوده که از مدت‌ها قبل توسط متصرفین تبدیل به اراضی مزروعی شده و سبق بهره برداری درازمدت در آن‌ها دارند.» (پیوست ۱۹)

۲۳- در پائیز ۱۳۸۲ بنیاد تعاون بسیج فارس، در قالب شرکت فارس مبین، به اینجانب مراجعه کرد و خواستار اجرای طرح باغ‌شهر در اراضی دیم‌کار دارنگان شد. سرانجام، پس از مذاکرات مفصل، در ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ قراردادی میان کلیه وراث شهید حبیب‌الله شهبازی با شرکت فارس مبین (وابسته به بنیاد تعاون بسیج سپاه پاسداران) منعقد شد. مهم‌ترین مواد قرارداد پذیرش این تعهد از سوی شرکت فوق بود که کلیه امور مربوط به دعاوی اداره منابع طبیعی در پلاک ۷۲ را پیگیری و ابطال کند. این امر در بندهای ۵ و ۹ و ۱۰ از ماده پنج قرارداد فوق تصریح شده و در ماده دو حدود موضوع قرارداد (دارنگان) طبق محدوده ثبتی به صراحت ذکر شده است. (پیوست ۲۰)

۲۴- طبق قرارداد فوق، شرکت فارس مبین شروع به فعالیت در اراضی دیم‌کار آب‌بند (که ملک اختصاصی دیم‌کار مادرم بود) و تبدیل آن به باغات نمود. در آن زمان تصور می‌رفت که اراضی فوق جزو اراضی مورد تنازع با اداره منابع طبیعی است زیرا ماده ۱۳ اجرا نشده و نقشه جدید اداره منابع طبیعی نیز در اختیار قرار داده نمی‌شد. بنابراین، ظاهر قضیه این بود که شرکت فارس مبین، وابسته به بنیاد تعاون بسیج سپاه، با موفقیت

توانسته دعاوی ورثه مرحوم شهبازی علیه اداره منابع طبیعی را به اثبات رسانیده و اراضی مورد اختلاف را به باغات تبدیل کند.

این اراضی در نقشه سابق اداره طبیعی بخشی از قطعه ۳، به مساحت ۸۸۹ هکتار و ۳۰۰۰ مترمربع، بود که اراضی دیم کار قدیمی دارنگان به شمار می‌رفت و بخشی از آن (مور دعوتی) در سند اصلاحات ارضی به عنوان دیم کار سهمی مالکین ذکر شده بود. این قطعه جزو اراضی دیم کاری به شمار می‌رفت که در اجرای مقررات ماده ۶۴ از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۲ قانوناً در تصرف و تملک مالکین بود. (بنگرید به نقشه اداره منابع طبیعی از قطعه ۳ که توسط آقای کرامت پورزادگان ترسیم شده و به پیوست است. پیوست ۲۲)

۲۵- پس از مدتی، متوجه شدم که بنیاد تعاون بسیج، به‌رغم احداث و فروش موفقیت آمیز قریب به دو هزار باغچه یکهزار متری در اراضی موروثی پدری و اراضی اختصاصی دیم کار مادرم، قصد انجام کامل تعهدات خود و پرداخت سهمیه وراثت شهید حبیب‌الله شهبازی را ندارد و فعل و انفعالات مشکوکی از سوی آن‌ها و تعدادی از اعضای دو خانواده اسفندیاری و سلطانفر (از خرده‌مالکین جزء در پلاک مشاع دارنگان که سهام‌شان بسیار ناچیز و کم‌اهمیت است) به چشم می‌خورد. این امر منجر به رها کردن فعالیت‌های پژوهشی و علمی در تهران و استقرار اینجانب در شیراز از ۲۰ دی ۱۳۸۲ شد که سرانجام به انتقال کامل زندگی‌ام به شیراز انجامید.

این کشاکش با شرکت فارس مبین در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۳/۱۹ رمضان منجر به سینکوپ و ایست کامل قلبی- تنفسی من در هواپیما (پرواز تهران به شیراز) شد که به لطف الهی از مرگ نجات یافتیم. پس از مرخصی از بیمارستان، آیت‌الله حائری شیرازی، امام جمعه محترم شیراز، در بستر بیماری به دیدنم آمدند، از وضع من بسیار متأثر شده و همان‌جا به سردار عبدالعلی نجفی، فرمانده وقت بسیج سپاه فارس، دستور لغو قرارداد ورثه مرحوم شهبازی با بنیاد تعاون بسیج را صادر کردند.

این ماجرا منجر به فسخ قرارداد با شرکت فارس مبین (بنیاد تعاون بسیج سپاه) در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۸۳ شد در حالی که ۳۶۰ هکتار از اراضی ورثه شهید شهبازی توسط این شرکت به باغچه تبدیل و بخش عمده آن به فروش رفته بود. شرکت فارس مبین برای ایجاد مانع در اقدامات قانونی اینجانب برای احقاق حق خود و خانواده‌ام و تبدیل آن از دادخواست کیفری به دعوی حقوقی به انعقاد قرارداد مشارکت با تعدادی از اعضای دو خانواده خرده‌مالک جزء (اسفندیاری و سلطانفر) در پلاک ۷۲، که مشاع است، دست زده بود که میزان مالکیت کل این دو خانواده در پلاک فوق به ۱۰۰ هکتار نمی‌رسید.

اختلاف با شرکت فارس مبین همچنان ادامه دارد؛ بخشی از ورثه مرحوم شهبازی

از طریق دادگاه حقوقی در حال تلاش اند و اینجانب نیز از طریق سازمان قضایی نیروهای مسلح یا مراجع قانونی دیگر دعوی خود را مطرح خواهم کرد.

۲۶- پس از فسخ قرارداد با بنیاد تعاون بسیج، شرکتی به نام زاگرس سبز شیراز تأسیس شد که پنجاه درصد سهام آن به اینجانب تعلق دارد. شرکت مزبور اقدام به احداث حدود ۱۲۰ هکتار باغات (۸۰ هکتار باغ و مابقی جاده و دریاچه و عرصه اطراف دریاچه) نمود با استفاده از چشمه‌های حسن بیگی، خانیک و حق آبه از چشمه‌های تنگ چنارزرد که طبق سند ثبتی در ملکیت اینجانب است. شرکت مذکور همچنین با احداث سد خاکی مخزنی را به مساحت پنج هکتار و عمق ۲۰ متر به صورت دریاچه مصنوعی برای زیبایی طبیعت و تغییر در اکولوژی منطقه ایجاد کرد و حدود یکصد هزار قطعه ماهی در این دریاچه ریخت.

اقدام فوق در شرایطی صورت گرفت که از نظر ماهوی هیچ تفاوتی میان اراضی کارشده توسط شرکت فارس مبین و اراضی شرکت زاگرس سبز وجود نداشت. هر دو زمین در قطعه ۳ نقشه اداره منابع طبیعی واقع بودند که از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۲ تحت عنوان ماده ۶۴ به مالکین تعلق داشت، و هر دو اراضی دیم کار قدیمی دارندگان. (بنگرید به محل اراضی فارس مبین و زاگرس سبز در قطعه ۳ در نقشه اداره منابع طبیعی ترسیم شده توسط آقای پورزادگان- پیوست ۲۲)

معهدا، کمی بعد در کمال حیرت با شکایت اداره منابع طبیعی شیراز به شعبه نهم بازپرسی، تحت عنوان «تخریب منابع طبیعی»، مواجه شدم. تنها در این زمان بود که دریافتم بنیاد تعاون بسیج به دلیل دسترسی به نقشه اداره منابع طبیعی بخش مهمی از اراضی مستثنیات در نقشه جدید (که پس از رأی قاضی ماده واحده ترسیم شده) را به باغ شهر تبدیل نموده و با ترفند اینجانب را به سوی عرصه مورد تنازع با اداره منابع طبیعی سوق داده است. نامه شماره ۲۳/۱/۹۲۰ ن مورخ ۸۳/۱۱/۲۷ بنیاد تعاون بسیج به اداره منابع طبیعی، که ظاهراً در دفاع از اینجانب نگاشته شده، گواه این مدعا است. (در این نامه بنیاد تعاون بسیج رسماً خود را به عنوان مسئول پروژه زاگرس نیز معرفی نموده است. پیوست ۲۱)

درواقع، به رغم این حمایت‌های صوری، هدف این بود که اینجانب با اداره منابع طبیعی درگیر و سرگرم شوم تا شرکت فارس مبین فارغ‌البال به گسترش و فروش باغات در اراضی بلامعارض از سوی اداره منابع طبیعی بپردازد و چنین نیز شد.

۲۷- در مورد پرونده تخریب هشتاد هکتاری مطروحه در شعبه نهم بازپرسی:

۲۷/۱- در اراضی فوق در زمان تشکیل پرونده «تخریب» و اعلام شکایت علیه

اینجانب، هنوز ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع اجرا نشده بود. ماده ۱۳ در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۸۴ اجرا شد که پس از اطلاع به آن اعتراض کرده و دعوی حقوقی و ماهوی جدیدی علیه منابع طبیعی مفتوح کردم که در شعبه ۲۳ دادگاه عمومی حقوقی شیراز در مرحله رسیدگی توسط هیئت سه نفره کارشناسی است. به عبارت دیگر، اراضی بین دولت و مالک مشاع بود. ماده ۱۳ در اراضی فوق بعداً اجرا گردیده است.

۲۷/۲- اراضی مورد دعوی بخشی از قطعه ۳ به مساحت ۸۸۹ هکتار و ۳۰۰۰ مترمربع می باشد که از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۲ به عنوان اراضی ماده ۶۴ در پلاک ۷۲ شناخته می شد و تحت همین عنوان در ملکیت و تصرف اینجانب بود. مراجعه شود به نقشه ترسیمی اداره منابع طبیعی در زمان اعتبار ماده ۶۴ در پلاک فوق. (نقشه آقای پورزادگان، پیوست ۲۲)

۲۷/۳- در زمان شکایت منابع طبیعی علیه من، شکایت اینجانب و سایر وراث شهید حبیب الله شهبازی در دادگاه حقوقی شعبه ۲۲ مجتمع قصرالدشت (آقای حسنی) علیه اداره منابع طبیعی و رأی هیئت ماده واحده مفتوح بود و بنابراین باید بازپرس محترم قرار اناطه صادر می کرد. (پیوست ۱۶)

۲۸- در مورد سوابق مالکیت و تصرفات و احیای اراضی مورد دعوی در محدوده پلاک ۷۲ بخش ۲۳ فارس موارد زیر به استحضار می رسد:

۲۸/۱- طبق صورتجلسه تحدید حدود [برگهای ۴ و ۵ از پیوست ۳] و نقشه ثبتی ۱۳۱۳ [برگ ششم از پیوست ۳] اراضی مورد دعوی پلاک ۷۲ از سمت غرب به تلال بید کرپه و تنگ سوزه و تنگ شور و راه کوهمره کراچ محدود می باشد (مکان‌های فوق هم اکنون نیز موجود و مشهور است) و از سمت جنوب به آبریز کوه دلو و از سمت جنوب شرقی به تنگ اللهیاری و تنگ نر (واقع در کوه دلو) محدود است. در محدوده غربی (منتهی الیه جاده آسفالت شیراز- دارنگان) تا انتهای حد غربی پلاک (که هم اکنون دکل مخابرات بر روی آن مشهود است) حدود هفت هزار هکتار زمین دیم کار قدیمی واقع است به اضافه باغات و ابنیه قدیمی.

در محدوده جنوبی (حد فاصل کوهپایه تا آبریز کوه دلو) حدود ۲۰۰ هکتار اراضی قدیمی معروف به بالک به همراه چشمه و حدود سی هکتار اراضی آب مجگاه به همراه چشمه و حدود ۷۰۰ هکتار اراضی دیم کار قدیمی کوهپایه ای واقع است که قدیمی ترین اراضی دارنگان به شمار می رود. بقایای باغات در کوهپایه دلو کاملاً مشهود است و اصولاً در گذشته دور اراضی و باغات دارنگان در دامنه کوه دلو واقع بوده است. در محدوده شرقی (تنگ خانی) باغات قدیمی گردو واقع است که در گزارش تامین

دلیل آقای عباسعلی مقرب [پیوست ۱۰] ذکر شده و عکس‌های هوایی نیز این باغات را نشان می‌دهد.

تمامی این اراضی و باغات و ابنیه هم اکنون، بدلیل سبق طولانی معمور بودن، در حوزه مالکیت این جانب و مورد دعوی اینجانب است.

۲۸/۲- عکس هوایی متعلق به قبل از سال ۱۳۴۰، که به پیوست تقدیم می‌گردد، نشان می‌دهد که این اراضی به مساحت حدود هفت هزار هکتار در کل محدوده ثبتی پلاک ۷۲ از ده سال پیش مورد بهره‌برداری زراعی بوده است. (پیوست ۲۴)

۲۸/۳- در آگهی نوبتی شماره ۴۴۸۱ مورخ ۲۱ مهر ۱۳۱۴ [برگ اول از پیوست ۳] صراحتاً به وجود «قنواتی که فعلاً منطمس است» تصریح شده. این قنوات در غرب روستای محمودآباد دارنگان هم اکنون موجود است و در محدوده مورد ادعای منابع طبیعی قرار گرفته. قنات‌های فوق، که آب تنگ سوزه را به اراضی دارنگان انتقال می‌داد، هم اکنون در مالکیت اینجانب بوده و قصد بازسازی آن را داریم.

۲۸/۴- معاینه باغات تنگ خانی (پیش از یکصد اصله گردوان دویست سیصد ساله)، و باغات تنگ آب تخک (که وضع مشابه دارد) دال بر سابقه سکونت طولانی و سبق معمور بودن اراضی مورد دعوی منابع طبیعی در پلاک ۷۲ است.

۲۸/۵- در نظریه آقایان مهندس قائمی و مهندس مقرب، کارشناسان محترم دادگستری، در مورد اراضی مورد دعوی اینجانب در محدوده ثبتی دارنگان صراحتاً معمور و سبق درازمدت کشت زراعی مورد تأیید قرار گرفته است. (پیوست ۱۹- نظریه مهندس قائمی، پیوست ۲۳ نظریه مهندس مقرب)

۲۸/۶- کلیه حدود هفت هزار هکتار اراضی مورد دعوی پلاک ۷۲ از دهها سال قبل از تصویب قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع تا هم اکنون به صورت اراضی دیم‌کار و آبی و باغات و ابنیه مورد بهره‌برداری بوده و هم اکنون نیز در تصرف اینجانب و سایر خرده مالکین می‌باشد.

در بند اول قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع «اراضی منابع ملی» تعریف شده: موضوع این قانون فقط و فقط اراضی تعریف شده می‌باشد که اولین شرط آن بکر بودن و برخوردار از پوشش گیاهی مرتعی است. این قانون به هیچ عنوان اراضی کشاورزی معمور را شامل نمی‌شود. اگر این اراضی شامل قانون فوق می‌شد چگونه است که سالیان سال تا به امروز مورد بهره‌برداری اینجانب و سایر مالکین بوده و اداره منابع طبیعی هیچ تصرفاتی در آن نداشته یا در طول این سالیان مدید هیچ اقدامی برای استقرار ید خود بر این اراضی انجام نداده است.

۲۸/۷- هم اکنون دانش زمین شناسی بسیار پیشرفت کرده و به سادگی می توان با آزمایش خاک از نقاط مختلف اراضی پلاک فوق قدمت کشت زراعی را در این اراضی مشخص کرد.

۲۹- به دلیل شکایت اداره منابع طبیعی شیراز، در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۸۳ با حکم بازپرس محترم شعبه نهم دادسرای عمومی شیراز ماشین آلات شرکت زاگرس سبز در محل پروژه توقیف شد. شکایت ابتدا علیه شرکت زاگرس سبز بود ولی اینجانب در پاسگاه نیروی انتظامی حضور یافته و خود را به عنوان مالک اراضی معرفی کردم.

در پی بالا گرفتن ماجرا، در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۸۳ هیئتی مرکب از آقای سید کریم رضوی (ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی فارس)، مهرزاد بوستانی (مدیر کل محترم امور اراضی)، عبدالرضا منصوری (معاونت فنی اداره کل منابع طبیعی فارس)، سید محمود حسینی (رئیس اداره منابع طبیعی شیراز) و دیگران در محل حضور یافته و اراضی مورد اختلاف را ملاحظه کرده و استدلالات اینجانب را شنیدند. سپس، در نهایت، در ۲۸ اسفند ۱۳۸۳ جلسه‌ای با حضور اینجانب در دفتر آقای رضوی با حضور آقایان رضوی (رئیس سازمان جهاد کشاورزی فارس)، بوستانی (مدیریت امور اراضی)، منصوری (معاونت فنی اداره کل منابع طبیعی فارس)، کرپور (معاونت حفاظت اداره کل منابع طبیعی فارس)، حسینی (رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز)، کشاورز (مدیر جهاد کشاورزی شیراز) و دیگران تشکیل شد. در این جلسه، به اینجانب قول شفاهی و اخلاقی داده شد که در صورت برداشتن شکایت خود در دادگاه حقوقی به تدریج به میزان ۲۵۰۰ هکتار از اراضی دارنگان به ورثه شهید شهبازی واگذار خواهد شد. به اصرار آقایان صورتجلسه این مصالحه‌نامه کلی نگاشته شد تا «قانونی» باشد. معهداً، تشکیل این جلسه و امضای این صورتجلسه با حضور و توسط اینجانب مؤید تأیید حقوق ورثه مرحوم شهبازی در دارنگان می‌باشد. به اصرار اینجانب، در صورتجلسه قید شد که شکایات هم‌زمان توسط طرفین (اینجانب و اداره منابع طبیعی) برداشته شود. در بند ۵ صورتجلسه فوق چنین آمده است: «متقاضیان واگذاری... به اتفاق نماینده اداره منابع طبیعی به دادگستری مراجعه و نسبت به استرداد دعوی و مختومه نمودن پرونده‌های مطروحه اقدام نمایند.» (پیوست ۲۷) طبق بند فوق، باید اداره منابع طبیعی شکایت «تخریب» مطروحه در شعبه نهم بازپرسی را نیز مسترد می‌نمود که چنین نکرد.

علیهذا، در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۵ ورثه مرحوم حبیب‌الله شهبازی به همراه آقای مهدی اسدی مهر، نماینده حقوقی منابع طبیعی، در شعبه ۲۲ دادگاه عمومی حقوقی شیراز حضور یافته و کتباً اعلام داشتند: «با توجه به توافقی که با اداره خوانده [منابع طبیعی] به عمل

آمده متفقاً دادخواست خود را مسترد می‌داریم.» این نامه به مهر و امضای اداره منابع طبیعی شیراز رسیده و به شماره ۲۱۳ مورخ ۸۴/۲/۱۴ ثبت دفتر شده. (پیوست ۲۸)
 ۳۰- از زمان اعلام رضایت طرفین در دادگاه شعبه ۲۲ به مدت چند ماه رویه اداره منابع طبیعی در قبال پرونده دارنگان مسالمت‌آمیز بود به نحوی که این تصور را ایجاد می‌کرد که آقایان به تعهدات کتبی و شفاهی و اخلاقی خود پای‌بند بوده و در جهت احقاق حق وراثت شهید شهبازی حسن‌نیت داشته و تلاش می‌کنند.

استناد می‌کنم به مکاتبات اینجانب با ادارات منابع طبیعی و امور ارضی و معرفی اینجانب برای دریافت واگذاری ۳۲۷ هکتار (به عنوان مرحله اول از انجام تعهدات شفاهی آقای رضوی و مقامات ذیربط در جلسه ۲۸ اسفند ۸۳) به جهاد کشاورزی شیراز (نامه ۳۷۶۸/ی مورخ ۸۴/۲/۲۵، پیوست ۳۰) و نیز به نامه به امام جمعه محترم شیراز که موارد مصالحه فوق در آن ذکر شده و ایشان پی‌نوشت به سازمان آب کرده‌اند.

مجموعه این مکاتبات به صراحت نشان می‌دهد که مقامات ذیربط در قبال جلب رضایت اینجانب برای استرداد شکایت شعبه ۲۲ حقوقی پایبند به تعهداتی بوده‌اند. صرف برگزاری جلسه ۲۸ اسفند ۸۳ و صورتجلسه آن و مکاتبات پیر و این صورتجلسه همه دال بر ذبح بودن اینجانب است و گرنه مگر مقامات استان بیکار بودند که با هر کسی جلسه گذاشته و مصالحه‌نامه امضا کنند. و نیز به چه دلیل اداره منابع طبیعی با واگذاری ۳۲۷ هکتار زمین مزروعی به یک نفر موافقت نمود؟

به‌علاوه، از این زمان پرونده تخریب در شعبه نهم نیز پیگیری نشده و در اداره منابع طبیعی شیراز (بخش مرکزی) بایگانی گردید به‌رغم این که گزارش کارشناس محترم دادگستری منتخب شعبه نهم بازپرسی (آقای عباسعلی مقرب) در تاریخ ۸۴/۴/۱۵ به شعبه مربوطه داده شده (پیوست ۲۳) و علی‌القاعده باید رأی صادر می‌گردید. معهداً، این پرونده، به خواست اداره منابع طبیعی، به مدت دو سال مسکوت و راکد ماند.

۳۱- حوادث بعدی نشان داد که ماجرای مصالحه فوق و تعهدات فوق بازی برای فریب اینجانب بوده است.

ابتدا متوجه شدم که آقایان به‌طور پنهان در حال واگذاری قطعاتی از اراضی مورد توافق موروثی اینجانب به افراد دیگر هستند. به محض اطلاع از اولین فعل و انفعالات مشکوک (در قالب طرح آبخیزداری)، اعتراض خود را طی نامه مورخ ۸۴/۲/۱۸ که طی شماره ۱۶۸۱۴ مورخ ۸۴/۵/۲۵ ثبت دفتر جهاد کشاورزی شیراز گردیده اعلام کردم. در نامه فوق به صراحت به توافقات انجام شده در جلسه ۲۸

اسفند ۸۳ و مفاد آن اشاره شده و ریاست محترم جهاد کشاورزی شیراز دستور پیگیری به این شرح داده‌اند: «اداره آبخیزداری موضوع چیست؟ به مدیریت اطلاع دهند.» این پی‌نوشت صراحتاً به معنی تأیید مفاد نامه اینجانب است (که در آن توافقات انجام شده یادآور شده) وگرنه دلیلی نداشت که ایشان از اداره آبخیزداری توضیح بخواهند. (پیوست ۳۱)

اخیراً، متوجه شدم که فریبکاری بسیار گسترده‌تر از این بوده و ادارات ذیربط پس از اخذ رضایت اینجانب بلافاصله به‌طور پنهان اقدام به اجرای ماده ۱۳ کرده تا از این طریق در مدت کوتاه بلامعارض بودن پلاک آن را از حالت مشاع خارج کنند و سرانجام، با سرعتی کم‌سابقه یا شاید در موارد مشابه (کمتر از دو ماه) بدون اطلاع اینجانب و سایر شرکای مشاع، اجرای ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرای ماده ۵۶ را نموده و در تاریخ ۸۴/۵/۹ ورقه سند مالکیت به‌نام دولت اخذ نموده‌اند.

۳۲- علاوه بر این، در محدوده ثبتی پلاک ۷۲ نیز اقدام به دستکاری کرده و دو پلاک اصلی مستقل تحت عنوان آب بند و دلو در همان حدود و نقشه ثبتی پلاک ۷۲ تحت عنوان اراضی فاقد پلاک به‌نام دولت ثبت نموده‌اند. (مراجعه شود به پیوست ۲۶، شکایت اینجانب و نامه دفتر ممیزی اراضی سازمان جنگل‌ها و مراتع به اداره کل منابع طبیعی فارس.)

توضیح این‌که در صورتجلسه تحدید حدود و نقشه ثبتی (پیوست ۳) به صراحت حدود غربی و جنوبی پلاک ۷۲ با اسامی اماکنی که هم‌اکنون موجود و مشهور است مشخص و معین شده است: حد غربی تلال بیدکریه و تنگ سوزه و راه کوهمره کراچ و تنگ شور تا رودخانه قره‌آقاج و حد جنوبی آبریز کوه دلو ذکر شده است. اداره منابع طبیعی ظاهراً و در مکاتبات رسمی حدود ثبتی فوق را قبول دارد (بنگرید به حدود پلاک ۷۲ در پروانه چرای دامداران- پیوست ۳۲) لیکن در عمل، چنان‌که در نقشه این اداره ملاحظه می‌شود، به جای تلال بیدکریه تا تنگ سوزه، تلال آب‌بند و له معروف به دره تی‌گیرک را به عنوان حد غربی و پایان محدوده غربی پلاک ۷۲ و به جای آبریز کوه دلو (که دیواره معروف به دیوار آهنی است) دامنه و کوهپایه کوه دلو را به عنوان حد جنوبی و پایان محدوده جنوبی ذکر کرده است. در پیوست‌های شماره ۳۲ با عکس هوایی و نقشه ارتش تفاوت حدود ثبتی فوق با حدود اداره منابع طبیعی از پلاک ۷۲ مشخص شده است.

به این ترتیب، مابه‌التفاوت اراضی جنوبی پلاک ۷۲ تحت عنوان اراضی فاقد پلاک به‌نام پلاک دلو و مابه‌التفاوت حد غربی به‌نام اراضی فاقد پلاک تحت عنوان اراضی آب‌بند به‌نام دولت به ثبت رسید. این در حالی است که حد غربی پلاک ۷۲ محدود

به پلاک مجاور (اراضی روستاهای ملاحسینی و چنارک و چنارفاریاب متعلق به اعضای طایفه سقلمه‌چی) بوده و اراضی فاقد پلاک در این محدوده هیچگاه وجود نداشته است. حتی در گذشته میان اعضای طایفه سقلمه‌چی [خرده‌مالکین روستاهای ملاحسینی و چنارک] (همسایه غربی دارنگان) و مالکین دارنگان بر سر حد میان دو پلاک منازعه مفصل صورت گرفت که سرانجام با تعیین تنگ سوزه به عنوان مرز دو پلاک این منازعه فیصله یافت. بنابراین، نمی‌توانست میان این دو پلاک اراضی فاقد پلاک وجود داشته باشد. (مراجعه شود به پیوست‌های شماره ۳۲ که مسئله بر اساس نقشه و عکس هوایی کاملاً روشن شده است.)

۳۳- سرانجام، اینجانب به عدم حسن نیت مقامات ذیربط امضاکننده صور تجلسه مصالحه‌نامه یقین کرده و در نتیجه مجدداً در تاریخ ۸۵/۷/۱۶ دو دادخواست به شعبه ۲۳ دادگاه عمومی - حقوقی تقدیم شد. یکی از سوی مادرم، سرکار خانم فرخ کریمی کاشکولی و دیگری از سوی اینجانب. (پیوست ۲۵)

به این ترتیب، از تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۶ بار دیگر اراضی دارنگان دارای معارض محسوب شد.

علیهذا، با عنایت به شرح کامل ماقوع و مستندات دال بر سابقه طولانی دائر و معمور بودن محدوده مورد دعوی استدعا دارم از محل بازدید و معاینه فرموده و با عنایت ویژه به بند ۳۲ (تخلفات اداره منابع طبیعی در محدوده ثبتی پلاک ۷۲) و بند ۲۸ (سوابق زراعت طولانی قبل از سال ۱۳۴۰) و آزمایش خاک اراضی مورد دعوی برای تعیین قدمت کشت زراعی و بازدید از بقایای باغات و قنوات و ابنیه و قلاع و گورستان‌های قدیمی و با توجه به توجه به میزان مساحت ذکر شده در رأی کمیسیون ماده ۵۶ نظریه خود را اعلام فرمایید. لازم به تاکید است که در رأی کمیسیون ماده ۵۶ درباره پلاک ۷۲ بخش ۲۳ فارس به صراحت اراضی منابع ملی متعلق به دولت ۱۳۳۰ هکتار ذکر شده و این نظریه در هیچ مرجع قانونی دیگر مورد بازنگری قرار نگرفته است. چنانچه مساحت پلاک افزایش می‌یافت طبعاً باید مجدداً آگهی صادر می‌شد تا معترضین با توجه به مساحت جدید احقاق حق نمایند. تناقض و نقص مساحت پلاک و تخلف در محدوده ثبتی پلاک هم در نامه شماره ۵۷۰۶ مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۵ جنگلداری شیراز به اداره کل [پیوست ۱۱] و هم در نامه شماره ۱۶۵۶۵/۵۱/۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۲ سازمان جنگل‌ها و مراتع و آب‌خیزداری کل کشور به اداره کل منابع طبیعی فارس مورد تصریح قرار گرفته است. [پیوست ۲۶]

عبدالله شهبازی، ۳ مرداد ۱۳۸۶

۴۷۸۲/۱
کتابخانه ملی ایران

این سند در روز ... در شهر شیراز ...

ردیف	شرح	مقدار	توضیحات
۱	صورتجلسه سهام	۱۰۰	
۲	مشاع مالکین	۲۰	
۳	دارنگان، اول	۱۰	
۴	اردیبهشت ۱۳۴۷	۱۰	
۵	سهمی مرحوم	۱۰	
۶	حبیب الله شهبازی	۱۰	
۷	۲۰/۹۵ سهم از	۱۰	
۸	کل سی سهم مشاع	۱۰	است.
۹	این اولین خیانت	۱۰	
۱۰	در اموال ورثه	۱۰	
۱۱	صغیر مرحوم	۱۰	
۱۲	شهبازی است.	۱۰	
۱۳	سهام ورثه صغیر	۱۰	
۱۴	حبیب شهبازی	۲۱	
۱۵	سهم و ۱۱ صدم	۱۱	سهم بود.

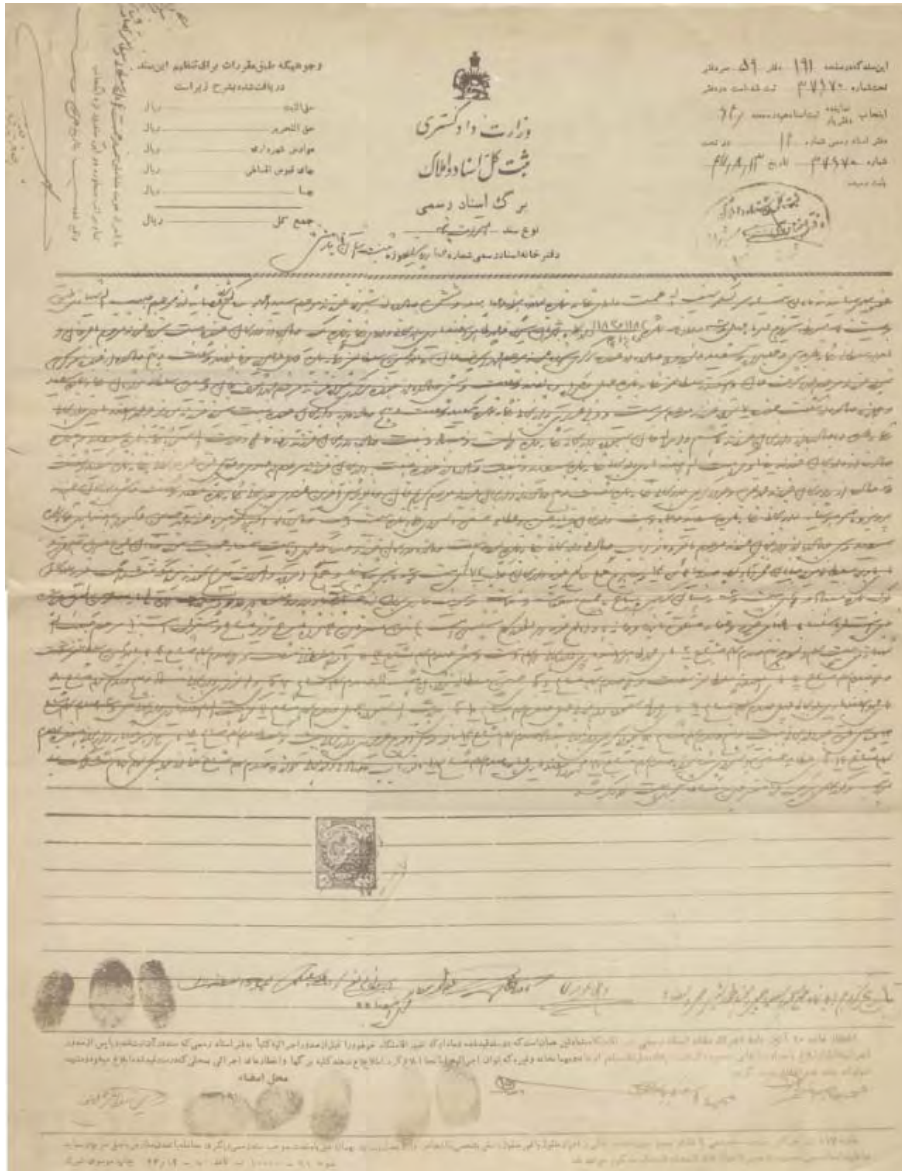
این سند در روز ... در شهر شیراز ...

... ..

... ..

... ..

صورتجلسه سهام
 مشاع مالکین
 دارنگان، اول
 اردیبهشت ۱۳۴۷
 سهمی مرحوم
 حبیب الله شهبازی
 ۲۰/۹۵ سهم از
 کل سی سهم مشاع
 است.
 این اولین خیانت
 در اموال ورثه
 صغیر مرحوم
 شهبازی است.
 سهام ورثه صغیر
 حبیب شهبازی
 سهم و ۱۱ صدم
 سهم بود.



همان صورتجلسه که در ۱۳ آبان ۱۳۴۷ به سند محضری تبدیل شده.



مالکیت ورثه مرحوم شهبازی طبق استعلام ثبت

بیمرو شکایت ورثه مرحوم حبیب‌الله شهبازی به دادگاه حقوقی ۲ شعبه نهم شیراز که به کاتبه $\frac{۲۱}{۶۶}$ مطرح است و بیمرو شکایت ورثه مرحوم شهبازی به دادسرای عمومی شیراز یعنی برتخریب و تبا و زار اراضی متصرفی آنان توسط آقایان اسفندیاری و عطف به اجاره نامه مورخ ۱۳۶۱/۳/۲ در مورد اراضی روستای دارنگون (دارنگون) پلاک ۲۴ بخش ۳۳ فارس و برمیثای وضعیت فعلی اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع کشور در پلاک مذکوره در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۲ و هشتاد و هشت تنس این توافقنامه منعقد شد میان: از یکسو آقای عبدالله شهبازی بنمایندگی از سوی کلیه ورثه مرحوم حبیب‌الله شهبازی و از سوی دیگر آقایان هدایت‌الله هدایت‌الله هدایت‌الله و ملک اسفندیاری و اسکندرسلطانفر مستاجرین سابق و توافق صحیح شرعی حاصل عدمی بر استرداد اراضی ورثه مرحوم شهبازی که مفروض آن قبلاً مندرج خواهد شد که اراضی ذیل الذکر به ورثه مرحوم شهبازی تحویل و در حضور وجود زبیرین و نماینده پاساگا زاندارمری دارنگون به تصرف کاملی ورثه مرحوم شهبازی داده شد و از مستاجرین سابق و شرکایان حق هرگونه ادعائی به هراسم و رسم اعم از تصرف و ملکیت و غیره چه رأی و چه معالوفه حتی ثالث در اراضی ورثه مرحوم شهبازی قطعاً و کاملاً منسلوب و قلع گردید. موارد مورد توافق به شرح زیر است:

۱- آقایان مستاجرین سابق توافق کردند و کلیه قطعات زمین پیرامون روستای کهنه دارنگون اعم از اینکه با پیرایندو یا پیرنحو (باغ و زمین زراعتی و غیره) دایر یا بعد (حامل اراضی تفکیک‌نکرده و زرد و مزرعه پست پرو حواصی آن طبق نقشه سرچنگداری و اراضی گورمکان و اراضی عن بره اراضی زینجدول خانی) طبق سابقه بهر مکتوب سال ۱۳۳۶ تحویل داده شد و میثاقی مساحت قطعات فوق نیز همان بنمای با زده شده است و بهر سال ۱۳۳۶ میباید توضیحاً اینکه کلیه اراضی که در سابق بهر شرفی قیمت طبق سهم میان خرده مالکین متساع میباید اعم از اینکه با پیرایندو یا پیرنحو (باغ و خانه و غیره) دایر یا بعد توضیحاً اینکه توافق شده کلیه اراضی با توافقی در زیر روستای جدید پست برالی شهره حرکت در سهمی ورثه مرحوم شهبازی باشد.

۲- در مورد مزرعه زیر پاساگا زاندارمری که از جنوب به جدول خانی و از شمال به جاده میشوان - شیراز و از غرب به اراضی وارولک و جاده شیراز - دارنگون (مرزا اراضی فوق مزرعه وارولک طبق نقشه اصلاحات ارضی و صورت مجلس تفکیکی مربوطه میباید) و از شرق به اراضی علی‌علی و تلک دهنشتی محدود است و توافق شد که کلیه اراضی متصرفی توسط آقایان فوق الذکر (مستاجرین سابق) توسط کارشناس محلی مساحی خود سهمی ورثه مرحوم شهبازی (۲۰/۹۵ سهم از ۲۰ سهم سهام خرده مالکی) از این قطعات تفکیک و به ورثه تحویل شود. اراضی فوق مساحی و افزای و تحویل و تصرف داده شد.

۳- در مورد اراضی مزارع علی‌علی و تلک دهنشتی توافق شده کلیه اراضی واقع در زیر جاده پست بریه بدیگون (حرکت حسنی یاد) که از جنوب به اراضی زیر پاساگا محدود است و حد شمالی آن جاده میشوان - شیراز میباید

صور تجلسه بازپس گیری اموال ورثه از مستأجرین (خانواده‌های اسفندیاری و سلطانیفر) پس از دو سال تلاش و جنگ و تقلا. اراضی دیمکار را پس ندادند و در بند ۱۲ منوط کردند به تعیین تکلیف دعوا با اداره منابع طبیعی.

دو

اراضی متصرفی آقایان فوق الذکر به نسبت سی سهم تقسیم و ۲۰/۹۵ سهم سهام ورثه مرحوم شهبازی از این قلمها تباورا افزای تحویل ورثه گردد. اراضی فوق مساحتی و سهمی ورثه تحویل و توسط آنان تصرف شد. توضیحا اینکه قلماتی که در تصرف است الله اسفندیاری و عبدالعلی نامورچه در این مزرعه و چه در سایر مزارع شامل این توافقند. میباید از سهمی مورد اجاره آقای هدایت الله اسفندیاری بوده است که کلا تصرف داده شد و با ملحقه این قرارداد است.

۱- توافق شد که کلیه اراضی بردزول که از جنوب به جدول بردزول و از شمال به ده کوشک و اراضی کوشک و از غروب به ده کوشک و از شرق به اراضی رئیس محمد حسینی محدود است مساحتی و سهمی ورثه مرحوم شهبازی طبق سند ثبتی افزای و کلا ما تحویل گردد. این توافق با ملحقه سید احمد نیز می باشد. اراضی فوق مساحتی و تحویل و توسط ورثه تصرف گردید.

۵- در مورد اراضی مزرعه کوشک توافق شد که کلا و بدون استثنای چیزی از آن مساحتی شود و سی سهم از کسر مقداری که طبق قرارداد دعای توسط آقایان اسفندیاری خریداری شده است. ما بقی به نسبت سهام ورثه به ورثه تحویل گردد. اراضی کوشک مساحتی و سهمی ورثه تحویل و توسط آنان تصرف شد. توضیحا اینکه مقدار خریداری شده توسط آقایان اسفندیاری به نسبت $\frac{1}{4}$ دیم و $\frac{1}{4}$ آبی می باشد و حق آبه آن طبق عرف مزرعه کوشک و روستا در رنگون بر مبنای آبی از حق آبه ورثه کسری گردد. توضیح دیگر اینکه مرز شمالی مزرعه کوشک رودخانه تره آقاج می باشد (یک سطر قبل از اضافی قرارداد حذف شد).

~~توضیحا که طبق سند ثبتی با تحویل آنها مساحتی و سهمی ورثه به ورثه تحویل شد و اراضی کوشک و روستا در رنگون مساحتی و سهمی ورثه تحویل و توسط آنان تصرف شد. توضیحا اینکه مقدار خریداری شده توسط آقایان اسفندیاری به نسبت $\frac{1}{4}$ دیم و $\frac{1}{4}$ آبی می باشد و حق آبه آن طبق عرف مزرعه کوشک و روستا در رنگون بر مبنای آبی از حق آبه ورثه کسری گردد. توضیح دیگر اینکه مرز شمالی مزرعه کوشک رودخانه تره آقاج می باشد (یک سطر قبل از اضافی قرارداد حذف شد).~~

۷- آقایان مستاجرین سابق اقرار و اعتراف صحیح شرعی نمودند که بهین وجه منالوجوه در اراضی مالکین در رنگون به استثنای سه قلمه ای که طبق تقه تفکیکی اصلاحات ارضی به زارعین واگذار شده و مرز آن محرز و مشخص است. اعم از چنار زرد و تپه های مجاور آن و مزارع پشت پریشی پروگورمکان و زبرجدول خانی (زیر باسگاه) (ناجاده میشسوان - شیراز و مزارع علیعلی و تلدی نشستی و کوشک و بردزول هیچ قطعه زمینی اعم از باغ یا دایره خارج از سی سهم بعنوان احیای موات و یا مقاسمه و یا عنایین دیگر بهیچ عنوان و اسم و رسم وجود ندارد و هر چه زمین در طبیعت موجود است جز سی سهم سهام خرده مالکی است که بیست و نه و بیست و نه سهم آن از اراضی متصرفی مستاجرین سابق و شرکایان سهمی ورثه مرحوم شهبازی طبق توافقند ما و سایر بهر حال شر تفکیک و تحویل و تصرف داده شده است. چنانچه زمینی بصورت موات باقی است و یا هنوز افزای و سایر بهر تقدیر بصورت سی سهم میان خرده مالکین متاع خواهد بود و ملکیت و کلیه حقوق ورثه مرحوم شهبازی در آنها محفوظ و حق تصرف آنها

علی شهبازی
مستاجر سابق

صنحه سه

باقی محفوظ می باشد *

۸- آقایان مستاجرین ثوق اقرار و اعتراف نمودند که طبق قانون کار جمهوری اسلامی ایران کلیه حقوق کارگرانی که بهر اسم و رسم طی مدت اجاره برای آنها کار می کرده اند بعهده کارفرمایان مربوطه یعنی مستاجرین سابق می باشد و هر کسی بهر عنوان ادعائی داشته باشد باید با مستاجرین سابق بوده و ارتباطی با ورثه مرحوم شهبازی ندارد. توضیحاً اینکه مورد اجاره مکان نیزه تحویل مستاجرین شده و مکان نیزه توسط ورثه دریافت و تصرف می گردد.

۹- مقدار و مزارعت بزرگندم آبی که در بدو اجاره تحویل مستاجرین شده بود توافق شده که به ورثه مرحوم شهبازی طرف دوم از این تاریخ تحویل و رسید دریافت گردد و چنانچه قبلاً تحویل گردیده رسید آن ارائه گردد و گرنه موظف به پرداخت آن می باشد.

۱۰- یک قطعه زمین در مزرعه کوچک واقع در غرب جاده تلمبه عنایت الله اسفندپاری که از جنوب به جاده میوهان - شیراز محدود است در سهمی جمله مالکی (ورثه مرحوم شهبازی) واقع است که به تصرف ورثه داده شد و هیچ کسی به هیچ عنوان حق ادعائی ندارد. ام از مستاجرین یا اشخاص ثالث *

۱۱- مستاجرین سابق توافق نمودند که چونچه کهنه موجود در مزرعه ش بر اقرار و همکاری سهزار تومن درآمد آن را بپردازند و ورثه مرحوم شهبازی مجازند که پس از پایان فصل برداشت چونچه در سال ۱۳۶۸ آن را تخریب و کشت مجدد نمایند. موعد برداشت تا پایان برداشت سال جاری است. چنانچه مستاجرین از برداشت درآمد بویژه ثوق استنکاف ورزیدند ورثه مرحوم شهبازی حق تعقیب قضائی آنها را خواهد داشت. عطف به ماده یک قرارداد حاضر میزان مالکیت خرده مالکین در یونجه ثوق سیاه بهر مکتوب است ۱۳۳۶ می باشد و لایحه *

۱۲- بدین ترتیب طبق این توافقنامه کلیه اراضی واقع در شرق جاده ملتین روی شیراز - دارنگون که منتهی الیه مرز شرقی آن به اراضی متصرفی شرکت حبیب آباد (بدیجان) و مرز شمالی آن به رودخانه قره آقاج می باشد و از جنوب به مراتع کوه دلو محدود است با حافله مزرعه گور مکان با حافله اراضی پشت برونیه های مشرف بمرتدگ چنار زرد کلا (منها سهمی زارعین طبق نقشه اصلاحات ارضی و سورت مجلس تفکیکی مربوطه و منها قطعه ای که در مزرعه کوچک توسط آقایان اسفندپاری خریداری شده) در سهام خرده مالکی (سهم) واقع است که ۶۹۵ سهم آن از اراضی متصرفی توسط آقایان طرف این توافقنامه به تصرف ورثه مرحوم شهبازی داده شد. چنانچه قطعاً بی علتی بودن یا هر دلیل دیگر از جمله عدم شناسائی توسط ورثه مرحوم شهبازی یا بی مانه باشد و در این توافقنامه افراز شده باشد ام از بیایرودا بر بیهودگی کلیه حقوق مالکیت و تصرف ورثه مرحوم شهبازی به نسبت سهم مشخصان محفوظ و باقی است و چنانچه شخص ثالثی بهر عنوان در اراضی تحویل شده ادعائی نماید یا مستاجرین سابق می باشد و دعوی آنها بهر اسم و رسم باطل است. طبیعتاً است که وضعیت بقیه اراضی محدوده ثبتی پلاک

۷۲ بخش ۳۳ فارس (دهستان کرهره سیاخ) با اجرای ماده ۱۳ قانون ملی عدل و مراتع تعیین تکلیف نهائی اراضی منابع ملی از مستثنیات و نتیجه اعتراض اهالی به کمیسیون تبصره واحده رسیدگی به ماده ۵

عناصیر
 [Signature]

چهار

تعیین خواسته و همگی طرفین حاضر توافق نمودند که نسبت به نتیجه رای کمیسیون فوق تمکین و توافق و تبعیت کامل داشته باشند.

۱۳ توضیح دیگر اینکه آقای عبادالله اسفندیاری در اراضی ورثه مرحوم شهبازی هیچگونه ادعا و تصرفات ندارد و اراضی ایشان تنها سهمی خرده مالکی موروثی خودشان است و موازی نمودن پنج صدم یکسهم اراضی ورثه مرحوم شهبازی که ایشان و آقای سلیم فیروزی کتبی کرده اند از اراضی مورد اجاره ~~بی امانی و بی امانی~~ ~~بی امانی و بی امانی~~ بوده است که طی این توافق نامه تحویل ورثه گردید و چنانچه ایشان از این بعد ادعا شودال بر سابقه تصرف و غیره در اراضی ورثه مرحوم شهبازی مطرح سازد کذب و بیاطک است.

این توافق نامه چهار صفحه ای در چهار نسخه تنظیم شد که در حکم واحد است و یک نسخه برای ثبت در پرونده کلاسه $\frac{۲۱}{۵}$ شعبه نهم حقوقی دومین باز منظره اختتام پرونده مربوطه ارسال می گردد.

نماینده ورثه مرحوم حبیب الله شهبازی - عبدالله شهبازی ~~مدیر~~

هدایت الله اسفندیاری
 عنایت الله اسفندیاری
 عبادالله اسفندیاری
 ملک اسفندیاری
 اسکندر سلیمان تفر ~~مدیر~~
 مراتب فوق مورد رضایت و کواهی است.

صورت امضاء امضاء کنندگان و امضاء امضاء کنندگان اینها مورد اجاره
 در قباله

XXXX صورت امضاء دولت دار اسفندیاری و عبدالله شهبازی مورد کتبی است XXXX
 XXXXXXX در میان دو نسخه کتبی امضاء

قرارداد سیاه بهر محلی

۱۳۵۸

بر تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۵۸ هجری قمری در شیراز در میان من و آقایان ذیل
 ۱- آقایان ...
 ۲- آقایان ...
 ۳- آقایان ...
 ۴- آقایان ...
 ۵- آقایان ...
 ۶- آقایان ...
 ۷- آقایان ...
 ۸- آقایان ...
 ۹- آقایان ...
 ۱۰- آقایان ...

این قرارداد در ۱۳۵۸ هجری قمری در شیراز در میان من و آقایان ذیل
 ۱- آقایان ...
 ۲- آقایان ...
 ۳- آقایان ...
 ۴- آقایان ...
 ۵- آقایان ...
 ۶- آقایان ...
 ۷- آقایان ...
 ۸- آقایان ...
 ۹- آقایان ...
 ۱۰- آقایان ...

این قرارداد در ۱۳۵۸ هجری قمری در شیراز در میان من و آقایان ذیل
 ۱- آقایان ...
 ۲- آقایان ...
 ۳- آقایان ...
 ۴- آقایان ...
 ۵- آقایان ...
 ۶- آقایان ...
 ۷- آقایان ...
 ۸- آقایان ...
 ۹- آقایان ...
 ۱۰- آقایان ...

قرارداد سیاه بهر محلی با خانواده‌های اسفندیاری و سلطانیفر بهرغم مالکیت ناچیزشان، بخش عمده اراضی، به بهانه ملی شدن آن، در دست شان باقی ماند.

این قرارداد در دو نسخه تنظیم شده است
 ۵۳۷۵
 بسم الله الرحمن الرحیم
 قرارداد بسته شد بین ابی بنف و آقا اسکندر خان سلطان نوز غنایت الله
 اسکندری که از تاریخ ۵۳۷۵ زراعت دیم آب بند را زمین و بند
 زمین و رشتا روزگاری نزد کلبه بن سیمه و لقبه میخارج با اسکندر خان
 و هر چه خداوند عاید کند نصف تا نیم ~~مخارج میخارج~~
 شخصی مثل از کلبه بن یا درو ابی بنف را با اطلاع نامیده و ارضیاتی
 کلبه بن نزد دو خواسته دور نامیده منقره لعل ندارد
 که ضمناً الله بر چه بنده برود ~~مخارج~~
 مخارج ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~
 دیگر بر چه از بند کس داشته که دیگر ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~
~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~ ~~مخارج~~

قراردادها و مدارکی که نشان می دهد اراضی کنونی فارس مبین ملک شخصی مادرم بود و در اجاره مرحوم اسکندر خان سلطانفر

یادداشت

تاریخ ۸۶/۳/۹

شماره _____

بسم الله الرحمن الرحیم
 ماموریت بخش (انبار) که در عهد الامام زین العابدین -
 دستور داد زراعت تمام بر سر آن که زراعت نمودم
 مثال مالک فرغ زین و زین بن علی را در عمل بیان میدهم
 امیر محمد

۵
 ۳

۱۳۵۴ ۱۳۱۲۸

بسم الله

قرارداد کتبی زمین رقم کار به وسعت به اکتب واقع در روستای داربلون پلاک ۷۲ بخش ۲۳

اینجانبان اسکندر سلطانوف و سرینا زهره زادی متاهلین خانم فرخ زاده که کتبی بر طبق این

قرارداد در سال ۱۳۵۴-۵۵ کتبی شماره ۱۲۶۴ در لصف خارج کتبی و برداشت بر عهده هر یک از

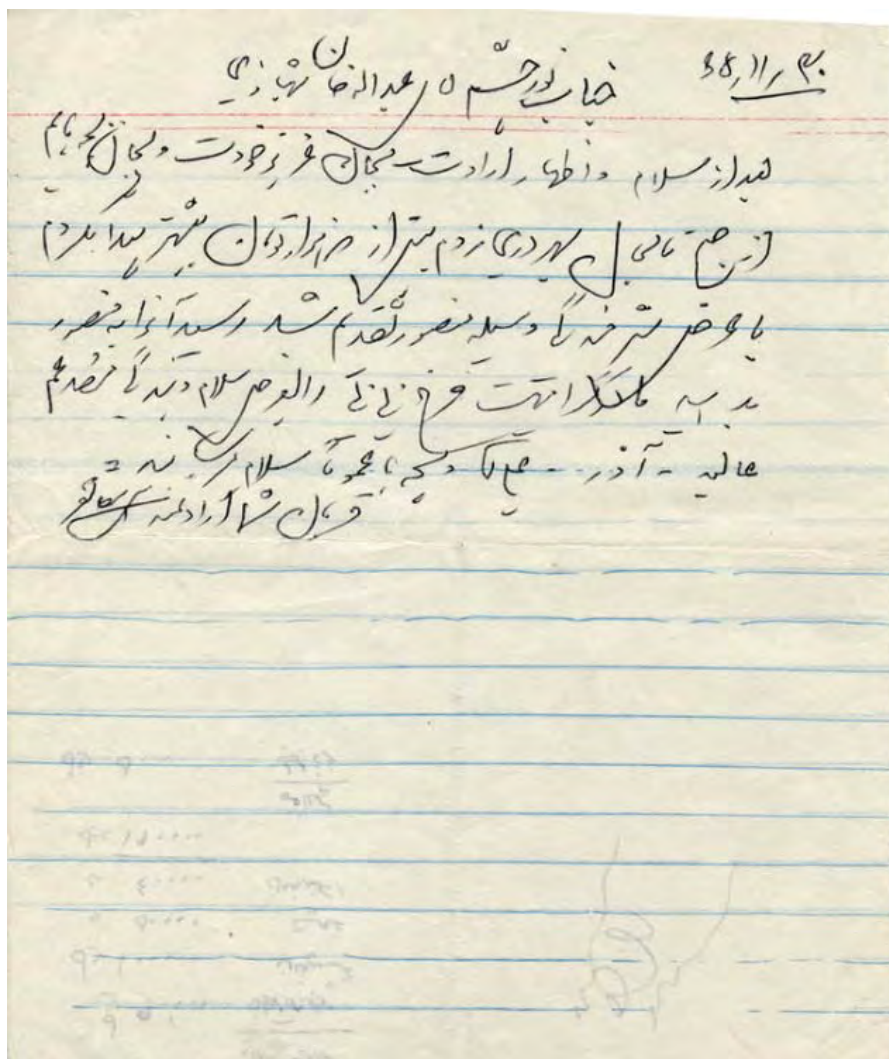
متاهلین باشد و محصول را هم لصف شماره ۱۲۶۴ و مبلغ ۵۰ هزار ریال (مبلغ مورد اشاره را به خانم فرخ

زاده کتبی بر لادم

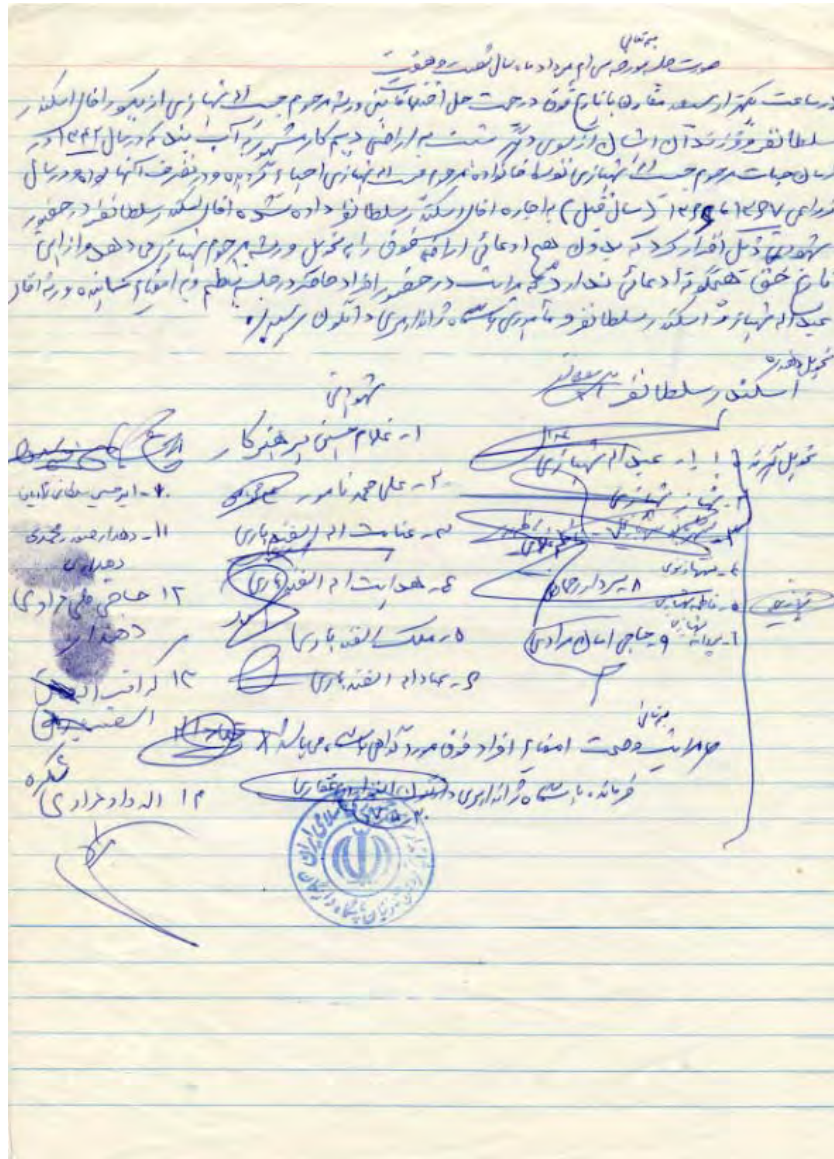
اسکندر سلطانوف

سرینا زهره زادی

فرخ زاده کتبی

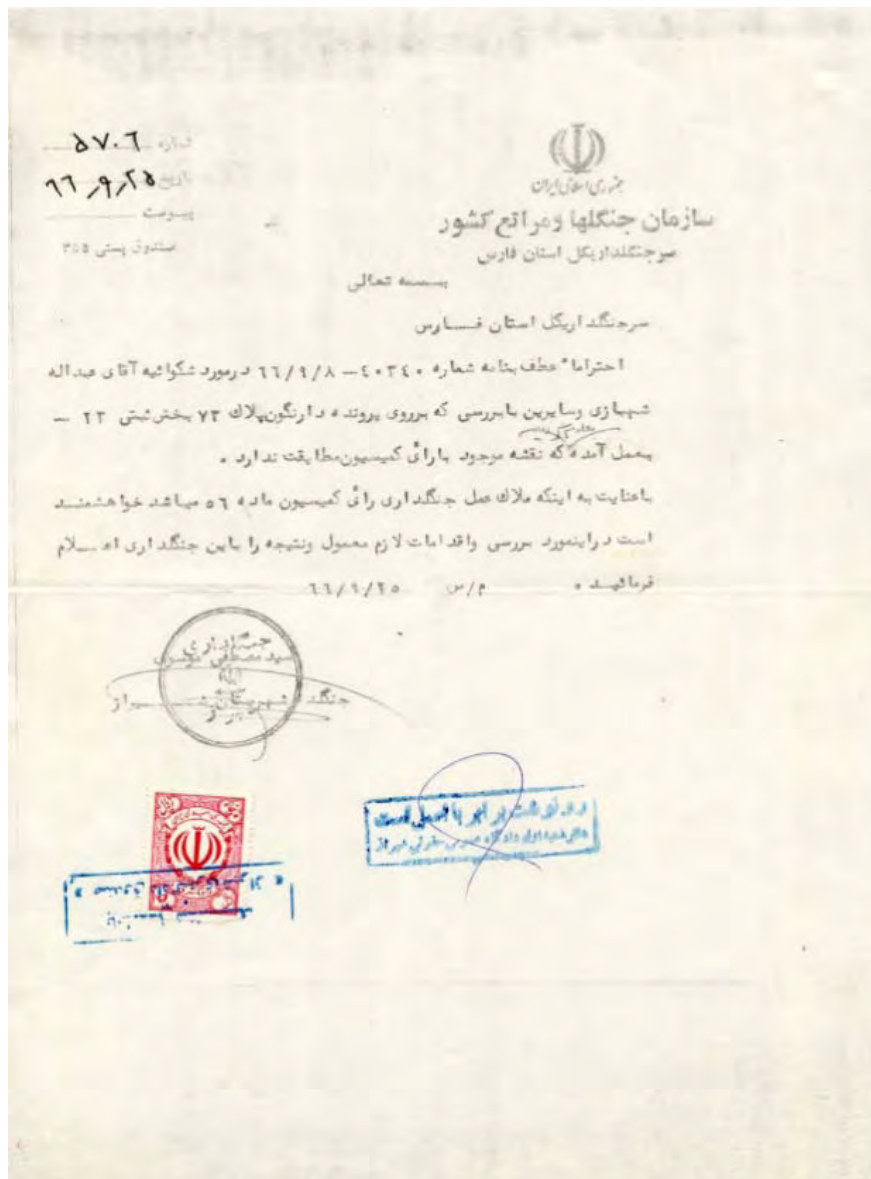


این «منصور» همان منصور سلطانفر است که اکنون به جرم بیش از یک میلیارد تومان کلاهبرداری تحت تعقیب است و پیمانکار و دلال شرکت احرار فارس می‌باشد؛ برادر محمداشرف و مهرداد سلطانفر و برادرزن علی امامی. می‌توانید امضاها را پسران مرحوم اسکندر سلطانفر را در زیر اهانت‌نامه‌هایی که علیه من در آخر کتاب درج شده ملاحظه کنید. این همان زمینی است که متعلق به ما بود و در مشارکت با شرکت فارس مبین دزدانه باغ‌شهر کردند و فروختند. شرکت فارس مبین نیز می‌دانست زمین دزدی است. حتی از ثبت استعلام نکرد که خانواده سلطانفر چقدر مالکیت دارد. با سرهنگ یوسفی و شرکا شریک بودند. سردار نجفی هم قطعاً می‌دانست و شریک بود.



۳۰ مرداد ۱۳۶۸

باز پس گیری اراضی آب بند (محل کنونی باغ شهرهای فارس مبین) از مرحوم اسکندر خان سلطانفر این صورتجلسه به امضای اسفندیاریها، معتمدین سُرخِی و سیاخ، و پاسگاه ژاندارمری رسیده است. بعد یکی از پسران اسکندر خان و دامادش با فارس مبین ساختند و این اراضی را خوردند.



۲۵ آذر ۱۳۶۶

اولین اعترافی که از اداره منابع طبیعی در تأیید تخلفات گذشته سازمان فوق گرفتم نگران بودم آن را از پرونده بدزدند. فوری رونوشت برابر اصل کردم. حق داشتم. اسناد اجرای ماده ۶۴ در اراضی دارنگان در پرونده منابع طبیعی دارنگان پیدا نمی شود.



۱۰ اسفند ۱۳۸۲

قرارداد ورثه مرحوم شهبازی با شرکت فارس مبین وابسته به بنیاد تعاون بسیج، اسفندیاری ها گفتند ما نوکریم و با التماس خودشان را وارد قرارداد کردند. نقشه داشتند. شرکت فارس مبین متعهد شد شکایت ما علیه اداره منابع طبیعی را پیگیری کند. آخر معلوم شد کلاهبرداری بوده است.

ماده چهار : سهام طرفین

مطابق توافق سهم طرف اول از اجرای موضوع مشارکت ۴۰٪ و سهم طرف دوم ۶۰٪ تعیین گردید
ضمناً تمام هزینه ها به هر اسم و رسم نیز به همین نسبت خواهد بود .

ماده پنج :

شرایط ، توضیحات و تعهدات :

- ۱- اجرای عملیات بصورت ۱۵۰ هکتار در هر فاز انجام و سهام طرف اول و دوم در پایان هر فاز مطابق ماده چهار تحویل طرفین خواهد شد .
- ۲- طرف دوم کلیه اراضی را که در حاشیه یا ادامه طرح استحصال می نماید به نسبت ۶۰ درصد طرف دوم و ۴۰ درصد طرف اول بعنوان بخشی از موضوع قرارداد محسوب می نماید .
- ۳- طرف اول متعهد گردید که وکالت تام الاختیاری جهت پیگیری های اداری و قانونی رفع تصرف - قطعه بندی و تفکیک و هر نوع اقداماتی که لازمه انجام کسار و پیشرفت در امور موضوع قرارداد باشد و هم چنین وکالت جهت بنام نمودن ۶۰٪ در پایان هر فاز و همچنین بنام نمودن در پایان هر فاز به طرف دوم بدهد .
- ۴- کلیه هزینه های انجام شده با هر اسم و رسم مطابق ماده چهار خواهد بود و شرکت فارس مبین نسبت هزینه های مالیات بر ارث تعهدی ندارد .
- ۵- اعتراض طرف اول در مراجع ذیربط نسبت به آن قسمت از اراضی پلاک موضوع این قرارداد که ملی اعلام شده توسط طرف دوم تا انتها تعقیب شود و این اراضی به نسبت ۶۰٪ طرف دوم و ۴۰٪ طرف اول بین طرفین تقسیم خواهد شد .
- ۶- طرف اول به طرف دوم اجازه داد که کلیه هزینه های جاری را در هر فاز انجام و پس از تکمیل هر فاز مطابق ماده چهار عمل نماید .
- ۷- ورثه مرحوم شهبازی و مرحوم اسفندیاری توافق نمودند که آن قسمت از اراضی موضوع قرارداد که به فروش رفته است از آورده سهمشان کسر خواهد شد و شرکت فارس مبین مسئولیتی را متوجه خود نمی داند .
- ۸- احداث باغ و جاده کشتی برابر با ضوابط قانونی جزء تعهدات طرف دوم بوده و هزینه ها مطابق ماده چهار خواهد بود .
- ۹- پیگیریها و مراجعه به ادارات و سازمانهای دولتی - انتظامی - قضائی و غیره و پیگیریهای اعتراض طرف اول به منابع طبیعی طبق وکالت نامه بلاعزل با حق توکیل به غیر ولو کراراً و حق انتخاب وکیل دادگستری به طرف دوم تفویض می گردد .
- ۱۰- طرف اول نسبت به سهم الارث خود ضامن کشف فساد بوده و چنانچه اراضی فوق الاشاره مستحق للغیر در آید (بجز ادعای منابع طبیعی و امور اراضی) نسبت به آن ضامن و مسئول پرداخت کلیه خسارتهای احتمالی خواهد بود .

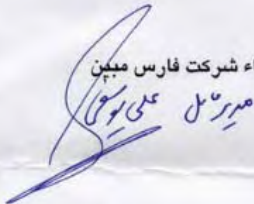


۱۱- چنانچه فرد یا افرادی از ورثه مرحوم شهبازی یا اسفندیاری یا امضاء قرارداد خودداری نمودند حق بقیه امضاء کنندگان نسبت به سهم شخص ایشان لحاظ و منظور خواهد شد و شرکت فارس مبین متعهد به انجام قرارداد فوق می باشد .

این قرارداد که حاوی پنج ماده ، یازده بند و دو تبصره می باشد در تاریخ ضمن رضایت و توافق کامل طرفین نسبت به مندرجات آن وفق ماده ده قانون مدنی و سایر قوانین و مقررات مربوطه و با رعایت ماده ۱۹۰ قانون اخیرالذکر در نسخه و هر نسخه در چهار صفحه که هرکدام از نسخ دارای اعتبار واحد می باشد با توافق و سلامت و اختیار کامل و قبول قطعی مندرجات آن فی مابین طرفین تنظیم ، امضاء و مبادله گردید .

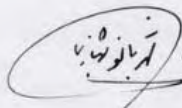
و من التوفیق و العاقبه فی کل الامور خیرا

مهر و امضاء شرکت فارس مبین



امضاء ورثه مرحوم حبیب اله شهبازی :

- ۱- عبدا... شهبازی فرزند حبیب اله
- ۲- احمد شهبازی فرزند حبیب اله
- ۳- شهباز شهبازی فرزند حبیب اله
- ۴- بانو فرخ کریمی کشکولی فرزند امراله بابت سهمیه مورثی از مرحوم محمد شهبازی فرزند حبیب اله
- ۵- بانو فاطمه شهبازی فرزند حبیب اله
- ۶- بانو مریم شهبازی فرزند حبیب اله
- ۷- بانو مینو شهبازی فرزند حبیب اله
- ۸- بانو پروین شهبازی فرزند حبیب اله
- ۹- بانو پروانه شهبازی فرزند حبیب اله
- ۱۰- بانو شهربانو شهبازی فرزند حبیب اله ، همگی به آدرس روستای دارنجان



قرارداد مشارکت

ماده یک : طرفین قرارداد :

این قرارداد فیما بین آقای محمد اشرف سلطان فر فرزند اسکندر به شماره شناسنامه ۱۱۸۴ صادره از شیراز به نشانی : منطقه سیاح درانگون ، روستای دارنگون منزل شخصی تلفن ۰۹۱۳۷۱۱۶۱۲۳ به اصالت از خود و نیابت از طرف ورثه مرحوم اسکندر .

که طی وکالت محضری تنظیمی در دفترخانه رسمی شماره ۵۴ شیراز به شماره ۳۶۹۱۰ مورخه ۸۲/۶/۲۶ که به انضمام این قرارداد می باشد منبهد جهت اختصار ذکر نام در این قرارداد طرف اول نامیده خواهد شد از یک طرف و شرکت فارس مین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۰۸۷ ثبت شده در دفتر ثبت شرکت های اداره ثبت شیراز (وابسته به بنیاد تعاون بسیج فارس) به نشانی : شیراز بلوار هجرت ساختمان بنیاد تعاون بسیج فارس _ با نمایندگی علی یوسفی فرزند خداخواست به شماره شناسنامه ۱۴۳ صادره از ممسنی بعنوان مدیر عامل شرکت (که از این پس در این قرارداد طرف دوم نامیده خواهد شد مطابق مواد و شرایط و توضیحات آتی الذکر منعقد گردید :

ماده دو : موضوع قرارداد :

موضوع قرارداد عبارتست از مشارکت در امر تبدیل قسمتی از اراضی پلاک ۷۲ ثبتی از بخش ۲۳ فارس (دهستان سیاح قریه درانجان) به باغ شهر و ویلایی پس از تفکیک قطعات که حدود مشاعرات آن شمالاً از پل رودخانه قره آقاچ جنب ده شیب جدول شروع پلاک و انتهای آن اراضی آب بند و حریم رودخانه و اراضی موردعوتی شرقاً جنب آسفالت قریه اسلام آباد دارنگون جنوب آن از اراضی اسلام آباد و غرباً به اراضی آب بند که کروکی بپیوست می باشد . و مجموعاً حدود ۱۵۰ هکتار می باشد . که در دو فاز (فاز اول ۱۵۰ هکتار و در فاز دوم (بپیزان تقریبی ۵۰۰ هکتار) و انجام عملیات فاز دوم پس از انجام و مرتفع شدن مشکلات احتمالی و به نسبت ۳۰٪ طرف اول و ۷۰٪ طرف دوم و با تنظیم قراردادی مشابه انجام خواهد شد .

تجسس : لازم بذکر است که اراضی فوق الذکر دارای سه حلقه چاه به همراه پروانه بهره برداری مربوط به شماره های ۴۵۰/۵۴۷۵۱ مورخه ۷۶/۱۲/۱۰ و ۲۰۲/۵۲۷۳۶ مورخه ۷۸/۱۲/۳۰ و ۲۰۲/۵۲۷۳۷ مورخه ۷۸/۱۲/۳ می باشد که مربوط به اراضی مذکور و جزء موضوع قرارداد می باشد .

ماده سه : مدت قرارداد :

مدت قرارداد از تاریخ انعقاد به مدت دو سال می باشد که در صورت توافق طرفین ، مدت مزبور قابل تمدید خواهد بود .

۲۵ شهریور ۱۳۸۲

شرکت فارس مین شش ماه قبل از ورثه مرحوم شهبازی با واسطه غلامعلی پورامامی، کارمند سابق اداره اطلاعات، شوهر خواهر محمد اشرف سلطانفر، که اکنون دلال املاک است با محمد سلطانفر و سایر ورثه مرحوم اسکندر سلطانفر قرارداد بسته بود. این خانواده فقط ۶۲ صدم از یک سهم از سی سهم دارنگان را مالک است ولی ۶۵۰ هکتار قرارداد بسته. همان زمین های ماست. کسی نپرسید چرا اسناد مالکیت شان را ندیدید؟ حتماً بندوبستی داشتند و گرنه بدون احراز مالکیت که قرارداد نمی بندند.

ماده چهار : سهام طرفین : مطابق توافق سهم طرف اول از سود حاصل از اجرای موضوع مشارکت ۴۰٪ و سهم طرف دوم : ۶۰٪ تعیین گردید ضمناً تمام هزینه ها به هر اسم و رسم نیز با همین رسم خواهد بود . و طرفین ضمن توافق قطعی و منجز نسبت به مندرجات این ماده اقرار به قبول آن نموده و هرگونه اعتراض نسبت به سهام تعیین شده در این ماده از خود سلب و ساقط نمودند .

ماده پنجم : شرایط و توضیحات و تعهدات :

- ۱- مالکین نسبت به سهم الارث خود متعهد می باشند در صورت بروز هرگونه کشف فساد ، خاظمی ، متعهد به پرداخت خسارتهای احتمالی خواهد بود .
- ۲- طرف اول قرارداد متعهد می شود که پس از اتمام مراحل قانونی و اداری و به نتیجه رسیدن موضوع مشارکت نسبت به بنام نمودن سهم طرف دوم براساس موافقت حاصل شده و طبق ماده چهار همین قرارداد نسبت به انتقال رسمی و بنام نمودن ۶۰٪ از کل اراضی موضوع این قرار (در فاز اول) و ۷۰٪ از اراضی فاز دوم با توجه به اینکه درصد مورد موافقت شامل زمینهای مرغوب و غیر مرغوب می باشد ، بعنوان حق الزحمه بصورت رسمی در یکی از دفاتر اسناد رسمی بنام طرف دوم منتقل نماید . ضمناً هزینه سند و انتقال قطعی اراضی به نسبت سهام طرفین خواهد بود .
- تبصره :** طرفین ضمن توافق قطعی و منجز نسبت به مندرجات این ماده اقرار به قبول آن نموده و هرگونه اعتراضی نسبت به سهام تعیین شده در از این ماده را از خود سلب و ساقط نمودند .
- ۳- طرف اول متعهد می شود پس از امضای این قرارداد حداکثر بمدت یکمیه در یکی از دفاتر اسناد رسمی شیراز حاضر و به طرف دوم وکالت تام الاختیار جهت اجرای موارد مندرج در این قرارداد نسبت به اراضی مارالذکر تفویض اعطاء نماید و ضمن عقد خارج لازم حق عزل وکیل را در مورد درصدهای مطروحه در بند صدرالذکر که بعنوان حصه طرف دوم قرارداد می باشد از خود سلب نماید . ضمناً در صورتیکه طرح نیمه تمام و یا عملیات اجرائی به دلایل غیر موجه و تعددی متوقف گردد و موجب خسارات شود طرف مسبب مسئول خسارات خواهد بود و ملزم به پرداخت اجرات المثل به طرف دیگر می باشد .
- ۴- طرف اول متعهد به پرداخت هرگونه بدهی تا تاریخ تنظیم قرارداد (بجز مالیات بر ارث که به عهده خود ورثه و طبق قوانین مربوط می باشد) و هرگونه کشف فساد را پاسخگو باشد .
- تبصره :** طرف اول با ارائه اصل و فتوکپی مصدق شده اسناد اراضی مندرج در ماده دو این قرار اقرار به مالکیت بلامنازع و بلامعارض متصرفی خود متعهد و متقبل گردید از تاریخ انعقاد این قرارداد اراضی مزبور که مشخصات آن نیز در ماده دو به تفکیک مرقوم می گردد با اسناد و مدارک لازم جهت اجرای موضوع مشارکت قرارداد حاضر در اختیار طرف دوم قرار دهد .
- ۵- اراضی مندرج در بند دو این قرارداد بعنوان آورده طرف اول محسوب می گردد . لذا جهت تعیین میزان نقدی سرمایه آورده شده توسط طرف اول مطابق توافق قطعی و منجز طرفین . قیمت اراضی

فوق ۶/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ معادل ششصد و سی میلیون تومان (مربوط به فاز اول) تعیین و تقویم گردید. و مقرر شد پس از تنظیم و امضاء این قرارداد و در صورت تصویب هیئت مدیره شرکت در برابر مبالغی بعنوان مساعده به طرف اول با اخذ رسید و اعطاء ضمانت نامه معتبر تحویل نماید. تبصره: طرف دوم متعهد گردید که در هر زمان که طرف اول طی تقاضای کتبی نیاز مالی خود را اعلام نماید پس از طرح در جلسه هیئت مدیره و در صورت تصویب نسبت به رفع مشکل مالی طرف اول اقدام نماید.

۶- نظر به اینکه طرف اول اقرار به مالکیت بلامعارض و بلامنازع و بلامناحم و همچنین اعتراف به تصرف کامل خود نسبت به اراضی موصوف دارد لذا در بروز هرگونه مشکلی ضمن مسئولیت نسبت به خسارات احتمالی به طرف دوم مکلف است از عهده خسارات وارده برآید.

۷- طرف اول تا زمان اعتبار این قرارداد حق هرگونه تصمیم گیری و دخل تصرف من جمله تصرفات ناقله در خصوص اراضی موضوع مشارکت مندرج در این قرارداد از خود سلب و ساقط نمود.

۸- کلیه هزینه های قانونی جهت اجرای موضوع مشارکت به هر اسم و رسم و عنوان و همچنین سود حاصل از آن به نسبت سهام مندرج در ماده دو و چهار این قرارداد فی مابین طرفین تقسیم خواهد شد. و طرفین قرارداد به نسبت سهام مزبور در سود و زیان و هرگونه سرمایه گذاری نیز شریک هستند.

۹- مدیریت و اداره امور مشارکت با رعایت مفاد این قرارداد و قوانین جاریه بعهده طرف دوم می باشد و طرف اول نیز هرگونه اقدام در خصوص موضوع قرارداد را از طریق و تحت نظر طرف دوم معمول می دارد.

۱۰- طرف دوم متعهد و متقبل گردید فتوکپی اسناد و هزینه های قانونی را پس امضای و در پایان مدت قرارداد (با حداقل هر سه ماه یکبار) در اختیار طرف اول قرار دهد و نیز صورتحسابی در دو نسخه تهیه و نسخه ای از آن را در اختیار طرف اول قرار دهد.

مدارک و صورتحساب مذکور ملاک محاسبات در روابط مالی طرفین موضوع قرارداد خواهد بود.

ماده شش - تعیین داوران:

۱- آقای آقای مهرداد سلطانیفر فرزند اسکندر ش. ش ۵۹۳ صادره از شیراز به نشانی: چهارراه زند اول رودکی ساختمان رضا طبقه سوم دفتر وکالت تلفن ۰۹۱۱۷۱۱۹۲۲۰ بعنوان نماینده طرف اول

۲- آقای کرامت اله احمدی فرزند منصور ش. ش ۳۵۱ صادره از آباده به نشانی: شیراز - بنیاد تعاون بسیج فارس بعنوان نماینده طرف دوم

۳- آقای سید حسن زندوی فرزند سید محمد ش. ش ۳۶۱۱ صادره از لارستان به نشانی: داور مرضی الطرفین

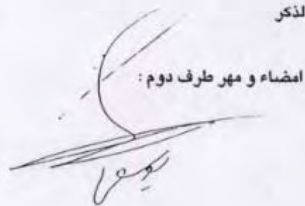
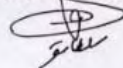
توسط طرفین انتخاب گردید و طرفین متعهد شدند که در صورت ابهام، اجمال، سکوت و اختلاف در مورد و شرایط قرارداد تفسیر و تصمیم اکثریت را بپذیرند و به آن عمل نمایند لذا ضمن اذعان طرفین به لازم الاتباع بودن تصمیم داوران حق هرگونه ادعا و اعتراض را از خود سلب و ساقط نمودند و همچنین داوران ضمن حضور در جلسه انعقاد این قرارداد واحاطه و استحضار کامل نسبت به شرایط و موارد قرارداد حاضر با امضاء ذیل قرارداد قبولی خود را نسبت به پذیرش داوری طرفین قرارداد اعلام نمودند.

ماده هفت: جهت استقرار و استمرار همکاری و حسن اعتماد و همدلی صادقانه فی مابین طرفین طرف اول یک دسته گل در قبال یک شاخه نبات به طرف دوم صلح نمود و طرفین ضمن عقد صلح موضوع این ماده و ضمن التزام و تعهد نسبت به اجرای کلیه تعهدات فوق الموقوم خود - حق فسخ قرارداد مشارکت صدرالمرقوم و هرگونه ادعا و اعتراضی نسبت به مندرجات آن جزئاً و یا کلاً از خود سلب و ساقط نمودند.

این قرارداد که حاوی هفت ماده و ۱۰ بند و ۳ تبصره می باشد، پیرو موافقت نامه مورخه ۸۲/۶/۲۲ و در تاریخ ۸۲/۶/۲۵ ضمن رضایت و توافق کامل طرفین در مندرجات آن و مق ماده ۱۰ ق. مدنی و سایر قوانین و مقررات مربوطه و با رعایت ماده ۱۹۰ قانون اخیرالذکر در دو نسخه و هر نسخه در چهار صفحه که هر کدام از نسخ دارای اعتبار واحد می باشد فی مابین طرفین تنظیم، امضاء و مبادله گردید. و من ا... التوفیق و العافیة فی کل امور خیراً

امضاء و اثر انگشت طرف اول از طرف خود و به وکالت از ورثه ذیل الذکر

امضاء و مهر طرف دوم:

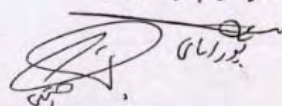



- ۱- خسرو سلطان فر ش. ش ۵۷
- ۲- ناصر سلطان فر ش. ش ۳۶۸۸
- ۳- منصور سلطان فر ش. ش ۱۲۵۲
- ۴- محمداشرف سلطان فر ش. ش ۱۱۸۴
- ۵- مهرداد سلطان فر ش. ش ۵۹۳
- ۶- آذرمیدخت سلطان فر ش. ش ۹۳۶
- ۷- مریم سلطان فر ش. ش ۱
- ۸- عالیہ فروزان ش. ش ۶

- ۱- امضاء عضیدآوری
- ۲- امضاء عضو داوری
- ۳- امضاء عضو داوری

امضاء و مهر:

عضو داوری
پوراسی



قابل توجه متولدین ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷

شرکت فارس مبین وابسته به بنیاد تعاون بسیج در نظر دارد به مناسبت گرامی داشت دهه پرفروغ فجر انقلاب اسلامی، قطعاتی چند از باغات مجموعه ویلایی - تفریحی فارس مبین واقع در منطقه سیاخ دارنگون شیراز را با ۱۰ میلیون ریال تخفیف به متولدین سالهای ۱۳۴۲ (شروع نهضت امام خمینی) و سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی) با شرایط ذیل، واگذار نماید.

۱- قیمت کل ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که ۱۰ میلیون ریال آن تخفیف داده می شود. نحوه پرداخت نیز ۵۰٪ نقد و ۵۰٪ در هنگام تحویل باغ فوق، دریافت می گردد.

۲- باغات فوق با متر از ۱۰۰۰ متر دارای امکانات جاده کشتی، فنس کشی، نهال کاری، آبیاری قطره ای و امکانات ویژه عمومی می باشند.

۳- تاریخ مراجعه و ثبت نام فقط از ۱۲ بهمن لغایت ۲۲ بهمن، حتی روزهای تعطیل از ساعت ۷/۳۰ الی ۱۸ می باشند.

۴- ارائه اصل و کپی شناسنامه، ضروری است.

**آدرس: شیراز - پل هجرت - پارکینگ سابق
ساختمان بنیاد تعاون بسیج**

تلفن: ۲۲۲۹۷۶۸

۴۸۵۵۱۰

اورزنامه
خبرخبر
کتابخانه
۱۹ بهمن ۸۲
ص ۸

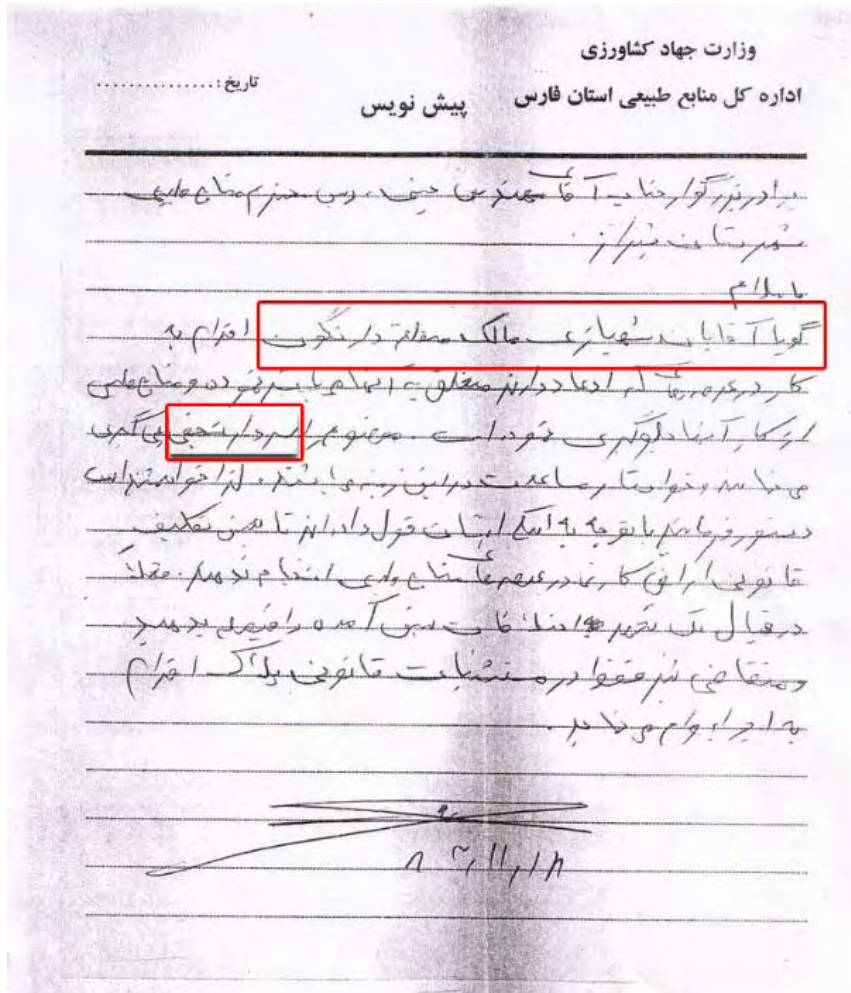
طرح ۴۲ - ۵۷ برای خوردن مال مردم، بازی با ارزشها

اعلام کردند به متولدین ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ (سال شروع نهضت امام و سال انقلاب) باغ یکهزار متری می دهند دو میلیون تومان. یک میلیون نقد و یک میلیون زمان تحویل. هر جوانی موبایلش را فروخت و یک میلیون داد. صف کشیده بودند تا پل حر. سرهنگ یوسفی، مدیر عامل فارس مبین، سه روزه دو میلیارد تومان پول جمع کرد. یک میلیاردش را در عسلویه برای خودش زمین خرید بعد فروخت ۱۵ میلیارد تومان و یک میلیارد را به صندوق سپاه برگرداند. از سرهنگ سلمان امیری، مسئول امور ایثارگران در دادگستری، شنیدم که مطلع است. فقط یک سال زندان کشید به خاطر شکایت آقای مؤمن. شش ماهش را آقای درّی به دلیل وساطت سردار نجفی بخشید. حالا یوسفی شاکی علیه آقای مؤمن شده. اخیراً، نجفی تلفنی به آقای مؤمن توهین و او را تهدید کرده است.



۲۹ شهریور ۱۳۸۳

دو هزار قطعه فروختند، چهل در صد سهمی ورثه مرحوم شهبازی در قرارداد با فارس مبین را که هشتصد قطعه بود کردند یکصد قطعه! این حواله را دادند. اول فکر کردم سهم خودم تنهاست. باورم نمی شد. بعد دیدم نه، سهم همه است. پنجاه میلیون تومان هم دادند به من و در چک نوشتند «بابت سود فاز یک پروژه دارنگان». بعد که دعوا مان شد طلبکاری کردند که وام داده بودیم. من این یکصد قطعه را نگرفتم.



نامه معاون حفاظت اراضی اداره کل منابع طبیعی فارس
 معاون وقت حفاظت اراضی منابع طبیعی در نامه داخلی به رئیس منابع طبیعی شیراز از خانواده شهبازی به
 عنوان «مالک منطقه دارنگون» نام برده و به نقش سردار نجفی در پیگیری قضیه اشاره کرده.
 سردار نجفی شد حامی و من را درگیر کرد با اداره منابع طبیعی
 با خیال راحت ۳۶۰ هکتار زمین های ما را فروختند. حالا دارند ۷۰۰ هکتار دیگر را می خورند.

بسمه تعالی

شماره: ۲۴۱/۹۳۰
تاریخ: ۸/۳/۱۳۹۵
پیوست:

بنیاد تعاون بسیج
نماینده‌گی فارس

ان الحسن مصباح الهدی سفینه الحاح

ریاست محترم منابع طبیعی استان فارس
سلام علیکم

احتراماً ضمن عرض تسلیت بمناسبت ایام تاسوعا و عاشورای حسینی، بدینوسیله به استحضار می‌رساند: نظر به اینکه این بنیاد مدتی است در منطقه سیاح دارنگون اقدام به تبدیل باغ شهری آن اراضی نموده است و این کار همچنان ادامه دارد، با توجه به اینکه اخیراً با شکایت اداره منابع طبیعی و ارجاع پرونده نال بر تخریب اراضی منابع طبیعی به بازپرس شعبه ۹ و صدور قرار توقیف عملیات اجرائی ادامه فعالیت با مشکل روبرو شده است لذا صرفنظر به اینکه تخریبی صورت نگرفته و بر روی اراضی مورد بحث مدت بیش از ۴۰ الی ۵۰ سال است که کشاورزی می‌شود و از طرفی مرز بین مستثنیات و منابع طبیعی هم مشخص نمی‌باشد، این بنیاد تقاضا دارد که دستور فرمائید کارشناسی خیره به محل اعزام تا ضمن بررسی مرز منابع و طبیعی مستثنیات مورد ادعا مالک و مالکین و متصرفین مشخص گردد لازم بذکر است که نظر ریاست محترم آن اداره نیز مبنی بر اینکه اگر ادامه فعالیت در چهارچوب توافقات با سپاه و بسیج باشد مانعی ندارد، این بنیاد ضمن تأکید بر اینکه انجام اقدامات مورد نظر که با ممانعت منابع طبیعی شهرستان شیراز صورت گرفته است در چهارچوب توافقات با سپاه می‌باشد، تقاضا دارد دستور فرمائید تا نسبت به رفع توقیف عملیات اجرائی اقدام لازم بعمل آید.

راه امام (ره) و سایه مقام معظم رهبری مستدام باد

نماینده‌گی بنیاد تعاون بسیج فارس
سید حسن زندوی
(۲۲)

شیراز: بلوار هجرت (پل پارکینگ سابق)
ساختمان بنیاد تعاون بسیج
تلفن: ۲۲۲۹۷۳۷-۳۲-۷۱-۸۳-۹۵
دورنویس: ۲۲۲۹۸۲۶

اینجا سرهنگ سید حسن زندوی رئیس بنیاد تعاون بسیج فارس شده حامی من
خیلی ظاهرالصلاح است. حالا رئیس مؤسسه مالی اعتباری مهر است.